طلایه دار

تفسیر قرآن و شرح نهج البلاغه

به یاد چهلمین روز ارتحال حضرت آیت‌الله
عمران علیزاده (ره)



بسم الله الرحمن الرحیم

طلایه دار

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

طلایه دار

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : طلایه دار/ علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : قم: رسالت، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۸۱ ص.

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : شعر -- قرن ۲۰م. --

موضوع : شعر منثور فارسی -- شخصیت ها

شناسه افزوده : سرحدی، مهدی، ۱۳۵۵ - ، مترجم

رده بندی کنگره : PS۳۵۱۳ /ب۴ ط۸ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۸۱۱/۵۲

ص: ۱

اشاره

آذربایجان کانون طلایه داران

به مناسبت ارتحال اسفبار استاد بزرگوار آیت اللّه حاج میرزا عمران علیزاده قدس سره که به حق طلایه دار درس تفسیر قرآن و شرح نهج البلاغه در خطّه آذربایجان بود ، یادی از بزرگان ، پیشگامان و طلایه داران این مرز و بوم در یک قرن اخیر می کنیم ، به این امید که مشمول جمله معروف : « عند ذکر الصّالحین تنزل الرّحمه » قرار بگیرد .

در هر رشته صدها نفر پیشگام و پیشتاز از این سرزمین برخاسته ، حوزه های علمیه تبریز ، قم ، نجف و مشهد را در طول قرون و اعصار به زیباترین وجهی از خرمن علمی خود بهره مند ساخته اند ، که تعداد اندکی از آنها به عنوان نمونه در این جدول یاد می شود :

۱ . طلایه داران فقه و فقاهت

از فقها ، مراجع و زعمای حوزه های علمیه در یک قرن اخیر ، که فقاهت و زعامت حوزه ها بر محور آنها می چرخید ، حضرات آیات عظام : فاضل شربیانی ، شیخ محمّدحسن مامقانی ، میرزا صادق آقاتبریزی ، سید ابوالحسن انگجی ، سید محمّد مولانا ، میرزا فتاح شهیدی ، سید مرتضی خسروشاهی ، سید محمّدحجت کوهکمری ، سید یونس اردبیلی ، سید محمّدهادی میلانی ، سید کاظم شریعتمداری ، سید شهاب الدین مرعشی نجفی ، سید ابوالقاسم خوئی ، میرزا کاظم تبریزی ، حاج میرزا علی غروی ، سید ابوالقاسم کوکبی ، میرزا جواد تبریزی ، و دهها تن از فقهای گرانسنگ حوزه های علمیه ، قدّس اللّه أسرارهم .

۲ . طلایه داران علوم قرآن

از پیشتازان در حوزه تفسیر و علوم قرآن حضرات آیات: حاج میرزا علی قاضی، سید مرتضی شبستری، سید مرتضی مستنبط ، شیخ نصرالّله شبستری، شیخ حسین شنب غازانی، شیخ محمّدباقر ملکی، حاج میرزا حسن مصطفوی، حاج میرزا عمران علیزاده و در رأس همه سرآمد مفسران قرآن در طول قرون و اعصار علامه سید محمّدحسین طباطبائی قدّس اللّه أسرارهم .

۳ . طلایه داران نهج البلاغه

از پیشگامان در عرصه ترجمه و شرح نهج البلاغه حاج میرزا حبیب اللّه خوئی ، علامه شیخ محمّدتقی جعفری ، حاج میرزا آقا باغمیشه ای ، شادروان حاج میرزا عمران علیزاده ، قدّس اللّه أسرارهم .

۴ . طلایه داران رجال و تراجم

از پیشگامان در عرصه رجال و تراجم ملاعلی علیاری ، شیخ عبداللّه مامقانی ، محمّدعلی مدرس خیابانی ، ملاعلی خیابانی ، ثقه الاسلام ، علامه امینی و شیخ محی الدین مامقانی قدّس اللّه أسرارهم .

۵ . طلایه داران ارباب قلم

از پیشگامان در عرصه پژوهش و تحقیق حاج میرزا عباسقلی چرندابی ، حاج سراج انصاری ، محدّث ارموی ، حاج میرزا ولی اللّه اشراقی ، حاج شیخ نصراللّه شبستری ، حاج میرزا علی غروی ، حاج

میرزا محمّدعلی اردوبادی ، حاج سید علی مولانا ، سید مهدی علوی بخشایشی و حاج میرزا عمران علیزاده قدّس اللّه أسرارهم .

۶ . طلایه داران شعر و ادب

از پیشتازان در عرصه شعر و ادب ، حجه الاسلام نیّر ، ملا مهرعلی زنوزی ، ملا حسن طوطی ، پروین اعتصامی ، سید محمّدحسین شهریار ، حسینی سعدی زمان ، استاد عابد ، و حاج صادق تائب قدّس اللّه أسرارهم .

۷ . طلایه داران فلسفه و اخلاق

از پیشگامان در حوزه فلسفه و اخلاق ، آقا علی مدّرس زنوزی ، حاج سید علی قاضی ، میرزا جواد آقا ملکی ، سید حسن الهی ، سید محمّدحسین طباطبائی و استاد محمّدتقی جعفری ، قدّس اللّه أسرارهم .

۸ . طلایه داران عرصه مهدویت

از پیشتازان در حوزه مهدویت ، ملاعلی علیاری ، میرزا محمّد واعظ فاضلی ، میرزا عبدالرحیم انصاری کلیبری ، میرزا محسن مجتهد تبریزی ، میرزا محمّدعلی اردوبادی ، شیخ ولی اللّه اشراقی ، محدّث ارموی و شیخ رضا توحیدی ، قدّس اللّه أسرارهم .

۹ . طلایه داران مسند تبلیغ

از پیشتازان عرصه تبلیغ ، حاج میرزا حسینعلی اهری ، میرزا علی اکبر عزیزی ، میرزا حسین واعظ آرباتانی ، حاج میرزا محمّد

خیابانی ، حاج میرزا هاشم شکوری ، حاج میرزا حسن ناصرزاده ، حاج میرزا علی یالقوز آغاجی ، حاج میرزا محمّد صابری و حاج میرزا علی نمروری قدّس اللّه أسرارهم .

۱۰ . طلایه داران عرصه خدمت رسانی

از پیشتازان در عرصه خدمات حاج حسین ملک ، حاج محمّد نخجوانی ، حاج محمّدباقر کلکته چی و حاج جواد برق لامع ، که روحشان شاد و راهشان پر رهرو باد .

این بود اشاره ای کوتاه به تعدادی اندک از پیشتازان فراوان آذربایجان در عرصه های مختلف رشته های علوم اسلامی ، که به عنوان مشت نمونه خروار فهرست وار نام برده شد و شرح خدمات برخی از آنان به تدوین چندین مجلد نیازمند است .

* * *

طلایه دار تفسیر قرآن و شرح نهج البلاغه

در آستانه عید سعید غدیر حوزه علمیه تبریز یکی از اساتید برجسته و مربّیان شایسته خود ، حضرت حجه الاسلام والمسلمین آیت اللّه حاج میرزا عمران علیزاده قدس سره را از دست داد .

روز شنبه ۱۷ ذیحجه الحرام ۱۴۳۰ ق . برابر ۱۴/۹/۸۸ ش . در خطّه فضیلت پرور تبریز قلبی از حرکت ایستاد که بیش از نیم قرن استاد بی بدیل حوزه علمیه تبریز ، پدر مهربان حوزویان ، مفسّر گرانسنگ قرآن ، شارح گرانمایه نهج البلاغه ، پدید آورنده بیش از چهل اثر ارزشمند ، اسوه تقوا و فضیلت ، پیشتاز عرصه تربیت طلاب ، تلاشگر خستگی ناپذیر حمایت از حریم اهلبیت ، روشنگر کانونهای هدایت در میان جوانان ، فرهنگیان و فرهیختگان بود .

نگارنده بیش از نیم قرن پیش در حوزه درس استاد علیزاده شرکت نموده ، از خرمن دانش او خوشه ها چید .

در آن ایام استاد یکی از اساتید برجسته ، پدری مهربان و پناهگاهی مطمئن برای حوزویان بود .

جلسات تفسیر ایشان در روزهای جمعه یکی از جلسات پر بار شهر بود ، این جلسه در برابر جلسه دیگری که به عنوان « جلسه تفسیر تبریز » از سوی گروهی منحرف و وهابی منش همزمان دایر بود و متأسفانه هنوز هم دایر است ، تنها جلسه مطمئنی بود که به صورت منظم و شیوه ای آموزنده برگزار می شد ، در ابتدا درس هفته قبل از سوی تعدادی از حاضران قرائت می شد ، آنگاه درس جدید طرح

می شد ، سپس چند نفر آن را می خواندند ، تا همگان درس جدید را به خوبی دریافت کنند .

استاد علیزاده چندین بار در این جلسات قرآن کریم را از اول تا آخر تدریس کرده و متن تفسیر استاد در طول دهه ها ضبط شده ، نوارها گردآوری شده ، به صورت سی دی درآمده ، در اختیار علاقمندان قرار گرفته است .

خانواده هایی را می شناسم که هر هفته در جلسه استاد حضور یافته ، درس را ضبط کرده ، در طول هفته در میان اعضای خانواده آن را بازگو نموده ، خود را برای درس جدید مهیا می نمودند .

یکی از عزیزان متن کامل یک دوره درس تفسیر استاد را از نوار پیاده کرده به همان زبان آذری تدوین کرده ، مهیای چاپ نموده است .

برخی از این درسها از سوی رسانه ها ضبط شده و مهیّای پخش از ماهواره گردیده است .

اگر این اتّفاق بیفتد علاوه بر آذربایجان ایران ، برای جمهوری آذربایجان و کشور ترکیه نیز سودمند خواهد بود .

در این جلسات علاوه بر تفسیر قرآن مسائل شرعی و احکام فقهی نیز به صورت ساده و همه فهم مطرح می شد .

به تناسب ایام ولادت و شهادت معصومین علیهم السلام ، و روزهای تاریخی چون بعثت و غدیر نیز معارف مربوطه بیان می گردید .

از برنامه های ثابت این جلسه تدریس نهج البلاغه بود ، که این متن بسیار نیرومند و شاهکار ادبی با بیان ساده و رسا ، در خور فهم مخاطبین طرح می شد ، تعدادی از حاضران درس هفته قبل را

می خواند و تعدادی دیگر درس جدید را می خواند .

غالب شرکت کنندگان نسبت به همه آیات نورانی قرآن و خطبه های شیوای نهج البلاغه آگاهی خوب دارند و هر فرازی از آنها سؤال شود ، آماده پاسخ گویی هستند .

درس نهج البلاغه استاد نیز علاوه بر ضبط ، در سه مجلد چاپ شده ، و چون به صورت جمله به جمله است ، بهترین متن برای آموزش نهج البلاغه می باشد .

استاد علاوه بر این جلسه که پیش از ظهر روزهای جمعه در مسجد امام حسن مجتبی علیه السلام در خیابان تربیت برگزار می شد ، در مسجد مجتهد نیز حلقه های تفسیر و نهج البلاغه برای حوزویان داشت که جمعی از طلاب ، فضلا و مبلّغین در آن حضور می یافت .

از این رهگذر آموزه های استاد در ترقی و تعالی طلاب نقش مهمی داشت و از سویی دیگر دست مایه خوبی برای مبلّغان و مروّجان دین و آیین در سطح شهر بود .

اسوه تقوا و فضیلت

استاد به معنای واقعی کلمه اسوه تقوا و فضیلت بود ، همه افرادی که با استاد حشر و نشر داشتند ، در جلسات مذهبی و یا حلقات درسی استاد شرکت می کردند ، با دیدار استاد به یاد ارزشهای معنوی افتاده ، نسبت به زرق و برق زودگذر دنیا بی اعتنا شده به ارزشهای والای معنوی دل می بستند.

استاد در جلسات دوستانه نه تنها خود از غیبت و بدگویی به افراد و سخنان بیهوده پرهیز می کرد ، دوستان را نیز از آن برحذر می داشت .

ص: ۱۰

در جلسات دوستانه که در منزل استاد و دوستان نزدیکش برگزار می شد ، همه اش از معارف و احکام و مطالب سودمند سخن می رفت .

استاد نه تنها از وجوهات استفاده نمی کرد ، بلکه در مواردی پولهای معتنابهی از سوی افراد به استاد تقدیم می شد و اظهار می شد که ربطی به وجوهات ندارد ، بلکه تبرّع می باشد ، استاد آن را نیز به طلاب می داد و می گفت : این افراد اهل کرامت و سخاوت نیستند ، چون می دانند که من از وجوهات استفاده نمی کنم ، می خواهند از این طریق گشایشی در زندگی شخصی من فراهم آید .

آنچه وجوهات به دست ایشان می رسید ، با اینکه از سوی همه مراجع بزرگ اجازه می داشت ، شخصاً در آنها تصرّف نمی کرد ، بلکه به دفتر مرجع مربوطه ارسال می کرد و اگر مربوط به مرجعی بود که شهریه اش زیر نظر استاد پرداخت می شد ، روی شهریه می گذاشت .

در طول دو دهه اخیر بیش از چهل اثر سودمند از آثار قلمی استاد چاپ و منتشر شد ، از این طریق زندگی ایشان تأمین می شد ، ولی در دهه های قبل استاد از راه تصحیح کتب و متون زندگی خود را می گذرانید .

استاد در دوران جوانی فرمهای چاپی را از چاپخانه ها می گرفت ، از طریق تصحیح اغلاط چاپی هزینه زندگی اش را تأمین می کرد .

استاد همواره پشتیبان مرجعیت بود ، وجوهات را اخذ می کرد ، قبض موقت می داد ، سپس از سوی مرجع مربوطه قبض رسید به صاحبان وجوه می داد .

چند خاطره

ص: ۱۱

استاد در اثر دغدغه ای که به درس طلاب داشت ، به ندرت مسافرت می کرد ، روزی به قم آمده بود ، فرمود : من تاکنون سوار هواپیما نشده ام ، گفتم : اجازه بدهید بلیط مشهد تهیه کنم ، در خدمت شما به مشهد مشرف شویم . فرمود : شیراز را ندیده ام ، مایلم به زیارت احمد بن موسی مشرف شویم .

بلیط تهیه شد ، در خدمت سرور ارجمند حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج آقای اهری به شیراز رفته ، ده روز مهمان آیت اللّه حاج آقا مجدالدین محلاتی بودیم و در بیت مرحوم آیت اللّه حاج شیخ بهاءالدین محلاتی قدس سره اقامت نمودیم .

استاد به قدری شیفته اخلاق آیت اللّه محلاتی شده بود که بارها می فرمود : هر وقت رفتار ناهنجاری از برخی افراد می بینم به یاد آقا مجدالدین می افتم و با یاد ایشان این ناهنجارها را تحمل می کنم .

دو بار نیز در محضر استاد برای مدت نسبتاً طولانی در مشهد مقدس بودیم ، در این سفر نیز از رفتار و گفتار استاد بهره ها بردیم .

سفر تاریخی دیگری نیز در محضر استاد در موسم حج داشتیم که همه هم سفری ها مجذوب اخلاق ، تواضع ، ساده زیستی و ژرف اندیشی استاد شده بودند .

استاد یک سفر عمره نیز داشتند که همراه خانواده در معیّت حاج محمود پاینده بودند .

استاد دو بار نیز به عتبات عالیات مشرف شدند که در سفر نخستین در معیّت عدیل محترمشان مرحوم پاینده بودند ، که در آن سفر مرحوم پاینده در نجف اشرف وفات کردند و در وادی السلام به خاک سپرده شدند .

جالب توجه است که مرحوم پاینـده وصـیت کرده بود که من هر کجا فوت کنم بایـد اسـتاد علیزاده بر پیکرم نماز بخواند و در این سفر با استاد همسفر بود و وصیّت در جوار ملکوتی مولای متقیان انجام پذیرفت .

یـک سـفر دیگری به عتبـات داشـتند که همه مشـکلات سـفر بر دوش حاج محمودآقا بود که با توجه به ویلچری بودن همسـر استاد ، آقای پاینده رنج فراوان متحمل شد ، خداوند پاداش فراوان عنایت فرماید .

ساده زیستی استاد

استاد نه تنها با زبان ، بلکه با شیوه رفتار و سلوک اخلاقی خود برای همگان الگو بود ، او نه تنها از وجوهات استفاده نمی کرد ، بلکه از فضول زندگی نیز پرهیز می کرد .

جامه های اسـتاد ده ها سال مورد اسـتفاده اش بود ، اگر پارچه ای به ایشان هدیه می شد ، در صورت امکان رد می کرد و اگر ناگزیر از پذیرش بود ، به دیگران هدیه می داد .

وجه مختصری که از طریق نشر کتاب به دستش می رسید ، اول یک پنجم آن را به عنوان خمس جدا می کرد ، سپس در بقیه اش تصرف می کرد .

چند روز پیش از وفات استاد به خدمتشان مشرف بودم ، مبلغ جدیدی به دستش رسیده بود ، در برابر من نهاد و فرمود : خمس آن را جدا کن .

من به شمردن آنها پرداختم . فرمود : برای چه می شمارید ؟ چهار تا یک طرف و یکی را به طرف دیگر بگذار .

اجازات روایی و امور حسبیه

استاد اجازه نامه های فراوان از مراجع بزرگ تقلید داشت که آنچه مشاهده کرده ام به قرار زیر می باشد :

حضرات آیات عظام سید کاظم شریعتمداری ، سید ابوالقاسم خوئی ، سید محمّد روحانی ، سید محمّد شیرازی ، حاج آقا حسن قمی ، میرزا جواد آقاتبریزی و شهید میرزا علی آقا غروی ، قدّس اللّه أسرارهم و آیات عظام وحید خراسانی ، سید علی سیستانی ، سید صادق روحانی ، سید صادق شیرازی ، ناصر مکارم و ... متع اللّه المسلمین بطول بقائهم .

اس___اتید

به طوری که در شرح حال خود نگاشته استاد خواهد آمد ، اساتید ایشان در زادگاه خود (غریبدوست) عبارتند از :

۱) پدرش مشهدی علیحسین

۲) مکتب دار روستا سید محمّدعلی حسینی

و در روستای احمدلو :

۳) ملا مطلب ترابی

۴) میرزا علی اشرف نظری

و در حوزه علمیه تبریز :

۵) میرزا فتاح آخوندی

۶) سید موسی سیدی

۷) سید یوسف مدنی

۸) میرزا عبدالکریم ملائی

۹) سید رضا مرندی

۱۰) سید مهدی انگجی

۱۱) سید هادی خسروشاهی

۱۲) سید محمّد بادکوبه ای

۱۳) سید مرتضی مستنبط

۱۴) شیخ حسین شنب غازانی

۱۵) میرزا حمد اهری

۱۶) حاج میرزا عبداللّه مجتهدی

و در حوزه علمیه قم :

۱۷) سید عبدالکریم موسوی اردبیلی

۱۸) حاج میرزا علی مشکینی

۱۹) سید حسین قاضی

۲۰) علامه سید محمّدحسین طباطبائی

رحم اللّه معاشر الماضین .

شرح حال و سوانح حیاتی استاد

صدیق ارجمند ، فاضل ارزشمند ، حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای فرزانه ، دوست دیرینه استاد ، بقیّه السّلف یاران و چشم و چراغ دوستان ، به اینجانب پیشنهاد نمود که جزوه ای تا چهلمین روز درگذشت استاد تهیّه و تدوین شود ، با توجّه به دو سفر تبلیغی این

حقیر به عنوان « دهه غدیر » به استان خراسان و دهه عاشورا به استان اصفهان ، تهیّه جزوه ای که در شأن استاد باشد میسّر نشد ، از این رهگذر شرح حال خود نگاشته استاد را از کتاب « نامداران تاریخ » آوردیم و شرح حال اساتید ایشان را از کتاب یاد شده در پی آوردیم و چیزی بر آن نیفزودیم .

در مراسم شام غریبان و مجلس ترحیم استاد که هر دو در مسجد میدان مقصودیه برگزار شد ، خطیب توانا حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ اسداللّه جوانمرد سخنان پرباری ایراد فرمودند که فرازهایی از آنها در این جزوه درج شد .

در مراسم هفتمین روز درگذشت استاد که از سوی فضلای آذربایجان و شاگردان معظم له در حسینیه شهدای قم برگزار شد ، محقق توانا حضرت حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ عیسی اهری سخنان ارزشمندی ایراد کردند که فرازهایی از آن نیز تقدیم گردید .

دو مقاله ارزشمند از دو صدیق ارجمند آقای دکتر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی و آقای دکتر سید محمّد ثقفی در روزنامه مهد آزادی تبریز چاپ شد که فرازهایی از آنها نیز در این جزوه درج شد .

دو قطعه شعر از دو شاعر سخن سنج ، استاد جوانمرد و استاد رسولی به دست ما رسید که عیناً درج گردید .

گفتنی ها درباره استاد بسیار فراوان و بستر سخن بسیار گسترده است ، که برخی از آنها در این فرازهای درج شده آمده است ، به همین مقدار بسنده کرده ، بسط مقال را به فرصتی دیگر موکول می کنیم .

به سوی جهان ابدی

استاد علیزاده تـا دو سـال پیش در سـلامتی کامل بود ، دو سال پیش سـکته ای کرده در بیمارسـتان بستری شدنـد ، با توسّل به حضرت امّ البنین بهبودی یافته ، در کمتر از یک هفته از بیمارستان مرخّص شد ، به تدریج حالشان بهتر شده به تدریس و تبلیغ و اقامه نماز پرداختند .

اخیراً یک بار دیگر دچار سـکته شـده ، بستری شده ، مرخّص گردیدند ، باز هم به تدریس و تبلیغ و اداره جلسات و اقامه نماز پرداختند .

تا روز شنبه ۱۷ ذیحجه الحرام ۱۴۳۰ ق . برابر ۱۴/۹/۸۸ ش . دار فانی را وداع گفته به سوی جهان ابدی پر گشودند .

با توجه به تاریـخ ولادت ایشان در نیمه رمضان ۱۳۵۰ ق . ایشان دقیقاً ۸۰ سـال و سه ماه و دو روز عمر کرده ، با کوله باری از حسنات و اعمال صالحه به دیدار محبوب شتافت .

پیکر پاک ایشان روز دوشنبه ۱۶/۹/۸۸ ش . از مسجد میدان مقصودیه که در آن اقامه نماز می کرد با حضور نماینده آیت اللّه العظمی وحید خراسانی و هیئت اعزامی آیت اللّه العظمی حاج سید صادق شیرازی تشییع گردید .

نماز میت توسط حجه الاسـلام والمسـلمین حاج سید محمّدعلی ، فرزند برومند مرجع فقید حضرت آیت اللّه العظمی حاج سید محمّدشیرازی انجام شد .

تشـییع جنازه باشـکوهی علیرغم نامساعد بودن هوا تا وادی رحمت از سوی جامعه روحانیت ، دانشـجویان ، بازاریان ، اصناف ، کسبه ، شاگردان و ارادتمندان آن عزیز از دست رفته انجام یافت .

بسیار جالب توجه است که تعدادی از عزیزانی که در قطعه پنجم وادی رحمت ، مشهور به قطعه صدّیقین فیش قبر داشتند ، این فیش ها را در اختیار خانواده استاد قرار دادند .

در میان این فیش ها ، فیش متعلق به حاج آقا ثابتی از امتیاز ویژه ای برخوردار بود ، زیرا در مجاورت مرقد منوّر حضرت آیت اللّه حاج شیخ نصراللّه شبستری قرار داشت ، از این رو این فیش انتخاب شد و پیکر پاک این عالم ربانی در کنار دوست دیرینه اش مرحوم آیت اللّه شبستری به خاک سپرده شد .

قطعه پنجم در مدخل وادی رحمت قرار دارد و قبر این دو عالم عامل در ردیفهای اوّلیه جلب توجّه می کند ، در آخر همین قطعه تعدادی از علمای اعلام و رجال برجسته شهر مدفون می باشند .

نسب شریف استاد به شرح زیر است :

عمران فرزند علیحسین ، فرزند معصوم ، فرزند علی ، فرزند حسن علیزاده غریبدوستی .

زیر لوای مولای متّقیان

زندگی استاد با قرآن و عترت عجین شده بود ، بیش از نیم قرن در خدمت قرآن بود و سالیان متمادی در خدمت نهج البلاغه و در این رابطه آثار ارزشمندی از خود به یادگار نهاد ، که از آن جمله است :

۱ . ترجمه نهج البلاغه

۲ . واژه های نهج البلاغه

۳ . مروری بر نهج البلاغه

۴ . شرح خطبه همام

۵ . شرح خطبه متقین و منافقین

۶ . در مکتب علی علیه السلام

۷ . علی همای رحمت

۸ . قائم مهدی (عج) در خطبه عید غدیر

و لـذا بی جهت نیست که در روز میلاد مسعود سبط اکبر امام حسن مجتبی علیه السلام دیـده به جهان گشوده ، در شب عید سعید غدیرخم دیده از جهان فرومی بندد .

امیـدواریم همـانگونه که در مکتب مولای متّقیـان زنـدگی بـا برکت خود را سپری کرد و عمر شریف خود را در این مکتب صرف نمود و سرانجام در آستانه غدیرخم بر آستانه مولایش گام نهاد ، در عالم برزخ نیز مورد عنایت خاص مولا باشد و در روز رستاخیز زیر لوای مولای متّقیان محشور شود ، ان شاء اللّه .

بیستم محرم الحرام ۱۴۳۱ ق .

حوزه علمیه قم

علی اکبر مهدی پور

ص: ۱۹

گزارش مجلس شام غریبان

فرازهایی از سخنرانی پربار

خطیب توانا حاج شیخ اسداللّه جوانمرد

در مجلس شام غریبان آیت اللّه علیزاده قدس سره (۱)

« وَ أَمّا مَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ وَ نَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوی » ؛

آن کس که از مقام پروردگارش بترسد و نفس خود را از هوی بازدارد ، بی گمان بهشت جایگاه اوست .(۲)

یکی از مراحل سخت سیر و سفر آدمی مرحله مرگ است .

خداوند منّان از زبان دو تن از پیامبران عظیم الشّأن این مرحله پر خطر را بیان فرموده ، برای آنها نوید سلامتی داده است :

۱ . حضرت یحیی علیه السلام :

« وَ سَلامٌ عَلَیْهِ یَوْمَ وُلِدَ وَ یَوْمَ یَمُوتُ وَ یَوْمَ یُبْعَثُ حَیًّا » ؛

سلام بر او باد آن روز که متولد شد و آن روز که می میرد و آن روز که زنده برانگیخته می شود .(۳)

۱- ۱ . این مجلس روز دوشنبه ۱۶/۹/۸۸ برابر ۱۹ ذیحجه ۱۴۳۰ ق . در مسجد میدان مقصودیه تبریز برگزار گردید .
۲- ۲ . سوره ذاریات ، آیه ۴۰ .
۳- ۳ . سوره مریم ، آیه ۱۵ .

۲ . حضرت عیسی علیه السلام :

« وَ السَّلامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا » ؛

بر من سلام باد روزی که متولد شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم .(۱)

مرحله تولّد و مرگ از چند جهت به یکدیگر شباهت دارند :

۱) اگر کسی به صورت ناقص متولد شود ، پیشرفت شگفت انگیز رشته های مختلف دانش بشری از اصلاح آن ناتوان است .

و اگر کسی با عمل ناقص یا ایمان ناقص دیده از جهان بربندد ، دیگر امکان تدارک ندارد .

همانگونه که باید بچه از شکم مادر سالم متولد شود ، باید از این جهان نیز با عمل صالح و ایمان سالم رخت بربندد .

۲) بچه ای که متولـد شـد ، اگر به دلایلی از تولد خود پشـیمان باشد ، اگر تمام پزشـکان جهان جمع شوند نمی توانند او را به دوران جنینی برگردانند .

و اگر کسـی به جهان بازپسین معتقد نباشد ، هنگامی که از جهان رفت و حقایق آن سرای را مشاهده کرد ، اگر بخواهد به این جهان برگردد و اعمال ناقص خود را تدارک کند ، هرگز میسّر نمی شود .

۱- ۱ . همان ، آیه ۳۳ .

برخی گوینـد : این همه سـخن از نکیر و منکر پایه نـدارد ، در آلمان ضـبط صوت های بسـیار قوی در قبر گذاشـته انـد و هیچ صدایی به بیرون منتقل نشده است !

چه باور کنند یا باور نکنند همه این گفته ها حقیقت دارد ، پیامبراکرم صلی الله علیه و آله از آن خبر داده است .

پس از ارتحال حضرت فاطمه بنت اسد ، در کنار قبر وی نشسته بود ، فرمود :

« اِبنُکِ عَلی ، ابنُکِ عَلی » ؛

پسرت علی ، پسرت علی .

اصـحاب از سـبب آن پرسیدند ، فرمود : از حضرت فاطمه بنت اسد در مورد خدا ، پیامبر ، قبر و قیامت پرسیدند ، همه را پاسخ داد ، چون از امامش پرسیدند ، خجالت کشید که بگوید : « پسرم » به او تلقین کردم که بگوید : « پسرم علی ، پسرم علی » .

جابر از سلمان روایت کرده ، که پیامبر اکرم فرمود :

گویی بـا چشم خود می بینم که دخترم فـاطمه را در قبر نهاده ، از او در مورد خـدا و پیامبرش می پرسـند ، چون از امامش می پرسند ، می فرماید :

« هذَا الجالِسُ عَلی شَفیرِ قَبری » ؛

همین آقایی که زانوی غم بغل کرده ، در کنار قبرم اشک می ریزد ، امام منست .

ص: ۲۲

هنگامی که از فاطمه بنت اسد ، مادر امیرمؤمنان علیه السلام در قبر سؤال شود ، یقیناً از من و شما نیز سؤال خواهد شد .

هنگامی که از حضرت فاطمه زهرا ، دخت پیامبر ، همسر مولا و مادر یازده امام سؤال شود ، بی گمان از من و شما نیز سؤال خواهد شد .

اینجاست که افراد ضعیف الایمان و فاسد العقیده ، با مشاهده آن سرای ، خواهند گفت :

« رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّی أَعْمَلُ صالِحاً » ؛

بار پروردگارا مرا برگردان ، شاید عمل شایسته ای انجام دهم . گفته می شود : نه ، هرگز .(۱)

۳) همانگونه که تولد انتقال از عالم کوچک به عالمی بزرگتر است ، مرگ نیز انتقال از جهان فانی به جهان باقی است .

مولای متقیان امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید :

« اِنَّکُمْ لا تَمُوتُونَ ، اِنَّما تُنْقَلُونَ مِن دارٍ اِلی دارٍ ؛

شما نمی میرید، بلکه از خانه ای به خانه ای دیگر منتقل می شوید.

۱- ۱ . سوره مؤمنون ، آیه ۹۹ .

در احادیث فراوان تأکید شده که مرده می بیند و می شنود ، از این رهگذر امر شده که تا قبرستان تشییع را ادامه دهید ، از وسط راه برنگردید ، که میّت دلگیر می شود .

در حدیث آمده که مردگان حتی صدای خروس و بانگ اذان را می شنوند و لذا دستور تلقین داده شده ، تلقین یعنی آموزش دادن .

مرحوم صاحب عروه می نویسد : مستحب است که پس از تلقین عربی همان کلمات به زبان میت نیز گفته شود تا به او تفهیم گردد .

در احادیث تأکید شده که چون تشییع کنندگان برمی گردند ، میت صدای پای آنها را می شنود و احساس غربت می کند .

اولیای الهی همواره از مرگ می ترسیدند و از قبر وحشت می کردند :

مولای متقیان همانند مار گزیده به خود می پیچید و می فرمود :

آه ، آه ، مِن قِلَّهِ الزّادِ وَطُولِ السَّفَر ؛

آه ، آه ، از کمی توشه و درازی مسافرت .

امام مجتبی علیه السلام در آستانه مرگ می گریست ، امام حسین علیه السلام می فرمود :

شما که ۲۵ مرتبه پیاده به حج رفتید ، سه بار همه اموالتان را با فقرا تقسیم کردید ، چرا اظهار بی تابی می کنید ؟

می فرمود : به سوی مسافرتی رهسپارم که قبلاً این راه را نپیموده ام ، به خانه ای منتقل می شوم که قبلاً به آن وارد نشده ام .

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود :

اُذکُرُوا هادِمَ اللَّذّاتِ ؛

همواره به یاد مرگ باشید که همه لذتها را درهم می ریزد .

خاک در دیده بسی جان فرساست سنگ در سینه بسی سنگین است

آدمی هر چه توانگر باشد تا بدین نقطه رسد مسکین است

هر کجا باشی و هر جا گذری عاقبت منزل هستی این است

بیند این بستر و عبرت گیرد هر که را چشم حقیقت بین است

زادن و کشتن و پنهان کردن دهر را رسم و ره دیرین است

اندر آنجا که قضا حمله کند چاره تسلیم و ادب تمکین است

صاحب آنهمه گفتار امروز سائل فاتحه و یاسین است

جناب سلمان با آن مقام رفیع و جایگاه منیع ، چون از دنیا می رود ، مولای متّقیان روی قبر او می نویسد :

وَفَدتُ عَلَی الکَریمِ بِغَیرِ زادٍ مِنَ الحَسَناتِ وَالْقَلْبِ السَّلیمِ

من بدون زاد و توشه بر خدای کریم وارد شدم ، در حالی که دستم از اعمال حسنه و درونم از قلب سلیم تهی است .

آفرین بر روحـانیت عزیز و طبقات مختلف تبریز که با حضور یکپارچه خود در مراسم تشـییع پیکر پاک آیت اللّه علیزاده و این محفل ، اثبات کردید که طرفدار علم و اخلاص هستید .

مرحوم علیزاده مصداق اتمّ این آیه شریفه بود که طلیعه منبر

تلاوت نمودم :

« وَ أَمّا مَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ وَ نَهَی النَّفْسَ عَنِ الْهَوی » .(۱)

من و همه عزیزان هم سن و سال من که در این محفل حضور دارند در طول ۵۰ سال از خرمن علمی این مرد خوشه چینی نموده ایم .

۵۰ سال پیش که ما افتخار شاگردی ایشان را داشتیم از چاپخانه ها فرم کتاب می گرفت ، اغلاط چاپی آنها را اصلاح می کرد و از این طریق تأمین معاش می نمود .

به قاضی ها ، دبیرها و بازاری ها درس می گفت ، از آنها پول می گرفت ، ولی هرگز از سهم امام علیه السلام استفاده نمی کرد .

قبایی که ۳۵ سال پیش تهیه کرده بود ، پس از فرسوده شدن در منزل می پوشید ، کفش زردی داشت که ۲۵ سال پیش از مرحوم صدقی گرفته بود ، پس از کهنه شدن در منزل به عنوان دمپایی از آن استفاده می کرد .

او به شدت از سهم مبارک امام علیه السلام پرهیز می کرد .

این حضور یکپارچه شما علامت انسان شناس بودن شما ، و این محبت های شما نشان ایمان به تقوای این مرد می باشد .

استاد علیزاده چون کوه در برابر حوادث ایستاد و هرگز دستخوش تندباد حوادث نشد ، تندباد حوادث کوچک ترین تأثیری در ایمان و عقیده اش پدید نیاورد .

۱- ۱ . سوره ذاریات ، آیه ۴۰ .

بیش از ۵۰ سال به حوزویان درس رایگان داد ، صدها طلبه فاضل تربیت کرد و راهی حوزه علمیه قم نمود .

صدها قاضی متدین ، دبیر متشرّع و بازاری عارف به احکام پرورش داد .

مرحوم علیزاده در ایام کسالت نیز درس و بحث را رها نکرد ، حتی برای چند نفر هم که بود نهج البلاغه می گفت .

استاد علیزاده مورد توجه خاص مراجع تقلید بود ، و لـذا ملاحظه فرمودید که نماینده ای از سوی حضرت آیت اللّه العظمی وحید خراسانی در تشییع شرکت نمود ، هیئتی از سوی حضرت آیت اللّه العظمی شیرازی در مراسم تشیع و این محفل حضور پیدا کردند ، پیام تسلیتی از سوی حضرات آیات عظام روحانی ، دوزدوزانی و مدنی ارسال گردید ، از دفتر آیت اللّه العظمی سیستانی و موسوی اردبیلی در مراسم تشییع و این مجلس حضور یافتند .

روحانیت محترم ، اصناف ، کسبه ، کارگران ، کارمندان و طبقات مختلف مردم در آن تشییع باشکوه شرکت نموده ، اینک در این محفل حضور دارند .

جانها به فدای ارباب بی کفن ، که در آستانه محرم الحرام قرار داریم .

عشق تو را به عالم امکان نمی دهم این گنج پر بهاست من ارزان نمی دهم

دل جایگاه عشق تو باشد نه غیر تو این خانه خداست به شیطان نمی دهم

ای خاک کربلای تو مهر نماز من این مهر را به ملک سلیمان نمی دهم

جان می دهم به شوق وصال تو یا حسین تا بر سرم قدم ننهی جان نمی دهم

حسین آرام جانم ، حسین روح و روانم

و اینک چند بیت به زبان آذری ، به عنوان زبان حال مرحوم علیزاده :

بیر عمر یا حسین دئمیشم یا حسین سنه ایندی یامان گونومدی الیمنن یاپیش آقا

بو قبر گوشه سینده غریبم آدامسیزام بوردا نه بیر قوهوم تاپیلیر نه تانیش آقا

* * *

ص: ۲۸

گزارش مجلس ترحیم

فرازهایی از سخنرانی پربار

خطیب توانا حاج شیخ اسداللّه جوانمرد

در مجلس ترحیم آیت اللّه علیزاده قدس سره (۱)

لا مَحیصَ عَنْ یَوْمٍ خُطَّ بِالْقَلَمِ ، رِضَی اللّه ِرِضانا اَهْلَ الْبَیْتِ ، نَصْبِرُ عَلی بَلائِهِ وَیُوَفّینا اُجُورَ الصّابِرینَ ؛

گریزی نیست از روزی که کلک تقدیر نوشته است ، رضایت خداوند رضایت ما خاندان است ، در برابر بلاهایش شکیبایی پیشه می کنیم ، او نیز پاداش شکیبایان را به ما عنایت می کند .(۲)

دیشب در مجلس شام غریبان حضرت حجه الاسلام والمسلمین آیت اللّه علیزاده پیرامون سختی مرگ و تقوای این مرد سخن گفتم ، امشب پیرامون علم و مقام عالم سخن می گویم .

اسلام به علم اهمیت ویژه ای داده می فرماید :

« قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ إِنَّما یَتَذَکَّرُ أُولُوا الْاءَلْبابِ » ؛

۱- ۱ . این مجلس روز سه شنبه ۱۷/۹/۸۸ برابر ۲۰ ذیحجه ۱۴۳۰ ق . در مسجد میدان مقصودیه تبریز برگزار گردید .

۲- ۲ . بحار الانوار ، ج ۴۴ ، ص ۳۶۷ .

بگو : آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند ، برابرند ؟ تنها صاحبان خرد متذکر می شوند .(۱)

آری دانش نور است و نادانی تاریکی است ، هرگز نور و ظلمت برابر نمی باشد .

جورج جورداق مسیحی در مقدمه کتاب : « الامام علی صوت العداله الانسانیّه » می نویسد :

به من می گویند : تو مگر مسلمان هستی ، تو چرا پیرامون امام شیعیان کتاب نوشتی ؟ !

من در پاسخ می گویم : علی نور است ، نور مخصوص یک گروه نیست ، علی آفتاب است ، آفتاب مخصوص یک عدّه نیست ، علی آب حیات است ، آب به یک گروه اختصاص ندارد .

پیشوای پرواپیشگان بر فراز منبر می فرمود :

از من بپرسید ، از آنچه زیر عرش است ، که من به راه آسمانها از راههای زمینی آشناتر هستم .

افراد جاهل می پرسیدند : تعداد تارهای موی سرم چند تاست ؟ !

می فرمود : می دانم ، ولی راه اثبات ندارم ، لکن در خانه تو توله سگی است که او قاتل فرزندم حسین است .

ولی خلیفه می گفت : همه از من داناتر هستند ، حتی پرده نشینان .

۱- ۱ . سوره زمر ، آیه ۹ .

مردم جاهل می گفتند : ببینید آقا چقدر متواضع است !

او می گفت :

من شیطانی دارم که بر من چیره است ، هر وقت خشمگین باشم بدانید که شیطان به سراغم آمده است .

مردم جاهل می گفتند : آقا خیلی متواضع است !

امیر مؤمنان مظلوم بود ، او را درک نکردند ، به جای اینکه اسرار جهان هستی را از وی بپرسند ، از تعداد موهای سرشان می پرسیدند .

جایگاه دانش از دیدگاه اسلام به قدری والاست که در جنگ بدر ۷۰ نفر اسیر گرفتند ، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله امر فرمود که هر کدام از آنها خواندن و نوشتن بلد هستند ، به جای جزیه به ده تن از کودکان خواندن و نوشتن تعلیم دهند و آزاد شوند .

در آن ایام وضع اقتصادی مسلمانان بسیار اسفبار بود ، ۴۰۰ نفر از مسلمانان خانه و کاشانه نداشتند و در مسجد می خوابیدند و به اصحاب صُفّه معروف بودند ، ولی پیامبرترجیح داد که اسیران دانش آموخته به ده تن دانش بیاموزند و از جزیه دادن معاف شوند .

اسلام کسب دانش را به هر مسلمانی واجب دانسته ، حتی طرح دانش اجباری را مطرح فرموده است .

برترین دانش

در میان رشته های علوم ، برترین آنها علوم اسلامی و معارف دینی است ، که علم کلام در مورد اصول اعتقادی : توحید ، نبوت ، عدل ، امامت و دیگر مسائل اعتقادی از رجعت و قیامت ، و علم فقه از حلال و

حرام و علم تفسیر و حدیث از معارف قرآن و عترت سخن می گوید .

اسلام به همه علوم ارج می نهد ، ولی علوم اسلامی برترین آنهاست .

علوم مادی و طبیعی با جسم انسان سر و کار دارد ، ولی علوم دینی روح انسان را پرورش می دهد .

اگر روح انسان پالایش نشود ، پیشرفت علوم مادی زندگی انسانها را تیره و تار می سازد ، ولی اگر به موازات پیشرفت دانش بشری ، تهذیب روح نیز پیشرفت کند دیگر کسی روی هیروشیما بمب نمی اندازد و نسل کشی به راه نمی اندازد .

اگر اعتقاد مردم سست شود ، فساد ، فحشا ، رشوه ، اختلاس و دیگر انواع تبهکاری ها در جامعه رواج پیدا می کند .

اینجاست که نقش روحانیت در اصلاح جامعه معلوم می شود .

یک عابد تلاش می کند که گلیم خود را نگذارد دستخوش امواج شود ، ولی یک عالم عامل تلاش می کند که جامعه را نجات داده به ساحل امن برساند .

روز رستاخیز به مرزداران عقیده و مرزبانان ایمان گفته می شود :

اَیُّهَا الْکافِلُ لِاِیتامِ آلِ مُحَمَّدٍ قِف تَشْفَعْ ؛

ای کسی که هدایت ایتام آل محمّد صلی الله علیه و آله را در عهد غیبت امام عصر علیه السلام برعهده گرفتی ، بایست و شفاعت کن .

پس می ایستد و به کسانی که معارف دینی از او فرا گرفته اند ، شفاعت

کرده ، دسته دسته آنها را به سوی بهشت سوق می دهد .

استاد علیزاده به هزاران طلبه از طلابی که هم سن و هم سال من هستند ، فقه ، اصول ، تاریخ ، تفسیر ، نهج البلاغه و ادبیات آموخته و اینک با کوله باری از حسنات به لقای محبوب رفته است .

سرمایه ای که مرحوم علیزاده با خود برده ، بسیار گرانبهاست .

براساس روایتی از امام رضا علیه السلام هنگامی که یک عالم عامل از قبر برخیزد دو صف فرشته در دو طرف او قرار گرفته ، او را بر بالهای خود حمل می کنند و می گویند : خوشا به حال تو که از حریم ائمّه اطهار دفاع می کردی و سگهای مهاجم را از نزدیک شدن به شیعیان بی دفاع جلوگیری می کردی .

استاد علیزاده یک عمر تبلیغ ، تألیف ، تدریس ، ترویج دین و دفاع از حریم اهلبیت نمود و در برابر از سهم امام علیه السلام استفاده نکرد ، با تصحیح فرم چاپخانه ها معاش خود را تأمین کرد ، بدون هیچ چشم داشتی بیش از ۵۰ سال حوزویان را از خرمن دانش خود بهره مند ساخت .

و اینک در آستانه عاشورای حسینی با کوله باری از خدمات و حسنات جهان را وداع گفت .

شیعیان دیگر هوای نینوا دارد حسین روی دل با کاروان کربلا دارد حسین

از حریم کعبه جدش به اشکی شست دست مروه پشت سر نهاد امّا صفا دارد حسین

می برد در کربلا هفتاد و دو ذبح عظیم بیش از این ها حرمت کوی منا دارد حسین

بسکه محمل ها رود منزل به منزل با شتاب کسی نمی داند عروسی یا عزا دارد حسین

بردن اهل حرم دستور بود و سرّ غیب ورنه این بی حرمتی ها کی روا دارد حسین

رخت و دیباج حرم چون گل به تاراج برند تا به جایی که کفن از بوریا دارد حسین

* * *

این تشییع باشکوه ، آن مجلس دیشب و این مجلس امشب ، به عنوان تجلیل از خدمات بی شائبه این عالم عامل در طول عمر بابرکت خود می باشد .

کسانی که خانه این مرد را دیده اند معنای زهد را می فهمند .

این حضور فعّال شما عزیزان ، به پاس یک عمر صفا و اخلاص این مرد بود ، او که فرزند ندارد تا بده بستان باشد ، برادرشان را نمی شناسید ، دیگر خویشاوندانشان را نمی شناسید .

من از همه طبقات ، مخصوصاً سلسله جلیله علماء ، هیئت امنای مسجد و آقای حاج ثابت که فیش قبر در اختیار ایشان گذاشت ، صمیمانه سپاسگزارم .(۱)

علمای اعلام ، حجج اسلام ، ائمه جماعت ، اصناف ، کسبه ، ارگانها ، شاگردان ، همسایگان و دیگر علاقمندان در محفل هستند ، اجر همگان

۱- ۱ . در مراسم تدفین استاد ، تعدادی از مؤمنان فیش قبر آوردند ، این فیض نصیب آقای حاج ثابت شد ، که فیش قبر ایشان در مجاورت مرقد مطهر مرحوم آیت اللّه حاج شیخ نصراللّه شبستری قدس سره ، در قطعه پنجم وادی رحمت بود ، خداوند اجر جزیل به ایشان مرحمت کند .

با خداوند منان .

مراجع بزرگوار حضرات آیات عظام : وحید خراسانی ، شیرازی ، روحانی ، سیستانی ، دوزدوزانی ، اردبیلی و مدنی با فرستادن نماینـده ، ارسال پیام و شـرکت اعضای دفترشان با حوزه علمیه تبریز ابراز همـدردی نمودنـد ، خداوند سایه شان را بر سـر امّت مستدام بدارد .

* * *

ص: ۳۵

گزارش مجلس اولین شب جمعه

فرازهایی از سخنان پربار حضرت

حجه الاسلام والمسلمین حاج میرزا غلام رحیمی(۱)

شب جمعه ۲۰/۹/۸۸ دانشمند گرامی استاد رحیمی در مراسم اولین شب جمعه آیت اللّه علیزاده ، در مسجد میدان مقصودیه منبر رفتند و سخنان ارزشمندی ایراد فرمودند که متأسفانه نوار یا سی دی آن به دست ما نرسید که فرازهایی از سخنان پر بار ایشان را در این صفحات بیاوریم ، فقط یادآور می شویم که پیرامون آیه شریفه :

« وَ رَفَعْنا لَکَ ذِکْرَکَ » سخن گفتند ، از تلاش منافقان ، به ویژه معاویه برای مبارزه با ترفیع نام پیامبر سخنان مستند و مستدلّی ایراد نمودند ، آنگاه از جایگاه رفیع عالمان دین و جایگاه ویژه استاد علیزاده سخن گفتند .

در طول سخنرانی این دانشمند درد آشنا ، اشک همگان بر چهره ها سرازیر بود و جای خالی استاد علیزاده در جمع دوستان ، با بیانات رسا و سخنان شیوای آقای رحیمی محسوس و ملموس بود .

* * *

ص: ۳۶

---

۱ - ۱ . آقای رحیمی از فضلای شایسته ، اساتید برجسته ، خطبای ارزنده خطّه آذربایجان و از دوستان بسیار صمیمی استاد علیزاده بودند ، که به خواهش دوستان در این محفل سخنرانی پرباری ایراد کردند .

گزارش مجلس هفتمین روز درگذشت

فرازهایی از بیانات خطیب توانا حضرت

حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ عیسی اهری(۱)

« الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسالاتِ اللّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لا يَخْشَوْنَ أَحَداً إِلَّا اللّهَ وَ كَفى بِاللّهِ حَسِيباً » ؛

آنانکه رسالت های خداوند را تبلیغ می کردند و تنها از او می ترسیدند و از کسی جز خدا بیم نداشتند و حسابگری خداوند بس است .(۲)

با عرض تسلیت فقدان و ارتحال این عالم ربانی ، به معنای واقعی کلمه ، به حوزه های علمیه ، به حوزه علمیه تبریز و چشم و چراغ جهان تشیع حوزه علمیه قم ، ضایعه ای اسفبار ارتحال مفسّر ، محقق ، مدرس ، مؤلّف ، مربی و تلاشگر با اخلاص ، حضرت حجه الاسلام والمسلمین آیت اللّه حاج میرزا عمران علیزاده غریبدوستی قدس سره .

با تشکر صمیمانه از فضلای آذربایجان و شاگردان معظم له ، که این مجلس بزرگداشت را در حوزه علمیه قم برگزار کرده اند و سپاس

ص: ۳۷

۱- ۱ . این سخنرانی در حسینیه شهدای قم ، روز دوشنبه ۲۳/۹/۸۸ برابر ۲۶ ذیحجه ۱۴۳۰ ق . در مجلس بزرگداشتی که از سوی فضلای آذربایجان و شاگردان معظم له برگزار شده بود ، ایراد گردید .

۲- ۲ . سوره احزاب ، آیه ۳۹ .

فراوان از شرکت حضرات آیات ، حجج اسلام و سایر طبقات .

برای من بسی مایه مباهات بود که خطیب شهیر و افتخار ما ، جناب آقای جوانمرد منبر را قبول کردند و مثل همیشه از بیانات شیوای ایشان بهره مند می شدیم ، ولی ایشان به جهت خویشاوندی و خصوصیاتی که داشتند و در تبریز در دو مجلس منبر رفتند و بیانات شیوایی برای اهالی تبریز و فضلای اعزامی از قم ایراد فرمودند ، قرار شد که اینجانب عرض ادب نمایم ، که بیش از ۶۰ سال به محضر آن بزرگوار ارادت داشتم .

قرآن کریم در مورد دانش و دانشمندان تعبیرات خاصی به کار برده که در مورد سایر طبقات از این تعبیرها در این سطح تعبیر نکرده است .

قرآن کریم در مورد دانشمندان فاقد تقوا به دور از حوزه علمیه و این مجلس محترم ، تعبیرات حادّی چون : « کلب »(۱) و « حمار »(۲) به کار برده ، با تهدیدهای سختی چون : « کَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ »(۳) مورد انتقاد قرار داده است .

در مقابل برای دانشمندان باتقوا ، علمای عامل و اندیشمندان با بینش جایگاه رفیعی ترسیم کرده می فرماید :

۱ . « یَرْفَعِ اللّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَ الَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجاتٍ » ؛

۱- ۱ . سوره اعراف ، آیه ۱۷۶ .

۲- ۲ . سوره جمعه ، آیه ۵ .

۳- ۳ . سوره صف ، آیه ۳ .

خداوند به کسانی که از شما ایمان آورده و به کسانی که دانش عطا شده ، درجه عظیمی می بخشد .(۱)

۲ . « إِنَّما یَخْشَی اللّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ » ؛

در میان بندگان خدا ، تنها دانشمندان از او می ترسند .(۲)

و آیه جلیله ای که در طلیعه منبر تلاوت کردم .

خداوند این عالمان عامل و شما دانشوران با بینش را از خطرات مصون بدارد ، که آخرالزمان با کمال تأسّف نماد خطر است که صفحات تاریخ آکنده از یاد عالمان عاملی است که در راه دفاع از حقایق تابناک قرآن و معارف حقّه اهلبیت عصمت و طهارت شهادت را به جان خریده ، در برابر انحرافات ، کج اندیشی ها ، دگراندیشی ها و هر گونه برداشت واژگونه از حقایق اسلام ایستادند و جان خود را در طبق اخلاص نهادند .

این عزیز از دست رفته ، یکی از این عالمان عامل و مدافعان سرسخت حریم قرآن و عترت بود که با تلاشی طاقت فرسا در برابر کج اندیشی ها ایستاد ، شاگردان فراوانی تربیت نمود ، اگر بگویم « صدها » کم گفته ام ، اگر بگویم « هزاران » مناسبت تر است .

در حوزه علمیه قم و تهران بزرگ با هر یک از علمای آذری گفتگو می شود ، می گوید : بلی من حاشیه ، معالم ، شرح لمعه ، تفسیر ،

ص: ۳۹

۱- ۱ . سوره مجادله ، آیه ۱۱ .

۲- ۲ . سوره فاطر ، آیه ۲۸ .

نهج البلاغه ، رسائل و مکاسب را در خدمت آیت اللّه علیزاده آموخته ام .

استاد در مدت ۶۰ سال دوران تدریس و تربیت طلاب با مشکلات فراوان مواجه بود ، از گذشته دور تاکنون چندین بار از مدرسه طالبیه عذر ایشان را خواستند ، ولی ایشان در خدمت رسانی به طلاب کوتاه نیامد ، مساجدی را که در اطراف مدرسه طالبیه است ، برای تدریس و تربیت شاگردان برگزید .

مدتی در دانشگاه تبریز تدریس کرد ، چون حاضر نشد در جناح بندیها وارد شود ، از آنجا نیز عذرش را خواستند .

استاد علاوه بر طلاب ، برای جمع کثیری از فرهیختگان بازاری و فرهنگی کلاس دایر کرد ، اساتید مبرّزی تربیت نمود و معارف عالیه و حقایق تابناک قرآن و نهج البلاغه را در میان اقشار مختلف جامعه بسط و گسترش داد .

این مرزداران ایمان و مرزبانان معارف قرآن باید با صلابت و قاطعیت راه خود را ادامه دهند ، تشنگان حقایق را از آبشخور زلال قرآن و اهلبیت سیراب کنند ، و دانش اندوزان شایسته را از خرمن علمی خود برخوردار سازند .

آن تشییع باشکوه و مجالس با عظمتی که در تبریز برگزار شد و این مجلس نورانی و روحانی که امروز در قم برگزار شده و جمعی از دوستان از تهران و تبریز در این محفل شرکت نموده اند ، به پاس ۶۰ سال خدمت به حریم قرآن و معارف اهلبیت می باشد .

دوست عزیزم آقای محرم زاده که خود اهل قلم و دردآشناست با جمعی از همشهریها از تبریز آمده در محفل حضور دارند .

ص: ۴۰

دوست گرانمایه آقای پاینده که بیش از همه با استاد مأنوس بودند و دلسوز و مهربان ، در مجلسی که امروز در کرج به همین مناسبت برگزار بود ، شرکت نموده و اینک در این محفل حضور دارند .

در عهد ما در هر مجلسی که در تبریز برپا می شد ۱۰ ــ ۱۵ نفر مجتهد صاحب رساله در کنار هم می نشستند ، ولی متأسفانه در آنجا و در همه جا اوضاع مصیبت بار شده است .

این گرفتاریها در دوران غیبت مولای ما آزمایش سختی است ، باید مؤمنان راستین و علمای عاملین با علم و عملشان جامعه را نجات دهند .

امروزه نسل جوان گرفتار ماهواره ، اینترنت ، رادیو ، تلویزیون و دیگر رسانه ها شده و خواب غفلت همه را گرفته است .

زعمای ممالک اسلامی به جای چاره اندیشی برای چند وجب خاک به جان هم افتاده ، به نسل کشی شیعیان در یمن ، پاکستان ، عراق و افغانستان پرداخته اند .

حوزه علمیه و شما فرهیختگان تکلیف بزرگی بر دوش دارید ، باید دست ایتام آل محمّد علیهم السلام را بگیرید و از این فتنه ها نجات دهید .

استاد علیزاده در همه این مراحل تلاش طاقت فرسا داشت ، در حوزه تدریس ، در عرصه تألیف ، در تربیت طلاب و در گسترش فرهنگ قرآن و نهج البلاغه تلاش فراوان نمود .

شرح حال مختصری در جلد دوم « نامداران تاریخ » نوشته ، در آنجا از آیات عظام : شریعتمداری ، خویی ، حاج آقا حسن قمی ، حاج آقا محمّد روحانی ، حاج آقا محمّد شیرازی ، شهید غروی و ... نام برده که از آنها اجازه داشت و وکیل خاص مرحوم آیت اللّه شیرازی و اینک اخوی معظم ایشان بود

و شـهریه آیـت اللّـه العظمی سـید صـادق شـیرازی و سـید صـادق روحـانی زیر نظر ایشـان پرداخت می شـد و در این رابطه نیز مشکلات فراوانی را تحمل نمود .

کسانی که به دلایل خاص نمی خواسـتند به ایشان اظهار ارادت کنند ، در این که ایشان عالم وارسته بودند و هیچ نقطه ضعفی نداشتند ، متّفق القول بودند .

در مراسم تشـییع و تـدفین ایشان نماینـده آیت اللّه العظمی وحیـد خراسانی حضور یافته ، هیئتی از سوی آیت اللّه العظمی سـید صادق شـیرازی اعزام شـده ، پیامهای تسـلیتی از سوی آیات عظام : سـید صادق روحانی ، حاج میرزا یداللّه دوزدوزانی و سـید یوسف مـدنی ارسال شده ، برخی از مراجع چون آیت اللّه العظمی سـبحانی در محفل شـرکت نموده و نمایندگان دیگر مراجع حضور یافتند ، که خداوند سایه شان را بر سر جامعه تشیع مستدام بدارد .

و اینک در آستانه محرم الحرام و عاشورای حسینی هستیم ، که امام رضا علیه السلام فرمود :

اِنَّ یَوْمَ الْحُسَیْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنا ؛

شهادت جانگداز امام حسین و فاجعه روز شهادت آن حضرت پلکهای ما را مجروح نمود .

ساز عشق است و به دل هر زخم پیکان زخمه ای گوش کن عالم پر از شور و نوا دارد حسین

دست آخر کز همه بیگانه شد دیدم هنوز با لب خنجر نگاه آشنا دارد حسین

شمر گوید گوش کردم تا چه خواهد از خدای جای نفرین هم به لب دیدم دعا دارد حسین

* * *

ص: ۴۳

سیمای استاد در آیینه مطبوعات

فرازهایی از مقاله پربار استاد عقیقی

حضرت حجه الاسلام والمسلمین دکتر عبدالرحیم عقیقی بخشایشی مقاله ی ارزشمندی تحت عنوان : « نیم قرن تلاش در راه علم و معرفت و تهذیب » نوشته اند که فرازهایی از آن تقدیم می گردد .(۱)

ز خورشید و از باد و از آب و خاک نگردد تبه نام و گفتار پاک

درگذشت اسفبار استاد حوزه علمیه تبریز ، حجه الاسلام والمسلمین حاج میرزا عمران علیزاده خلأ معنوی خاصی در حوزه علمیه تبریز و حومه ایجاد کرد ، که به این زودیها قابل جبران نیست .

استاد علیزاده حدود نیم قرن در راه تدریس ، تهذیب و تربیت طلاب و فضلا و فرهیختگان مختلف مردم تلاش جدی داشت و در پایان با کوله باری از معنویت و تقوا رخت از جهان فانی بست و به سوی قدسیان پرواز نمود .

به یاد دارم که در آن روزها در مدرسه طالبیه ، در مسجد خاله اوغلی و مسجد بزرگ یا علی ، در آن شرایط نامساعد ، هر روز چند درس متنوع از ادبیات ، فقه ، منطق و اصول محض رضای خدا ، بدون هیچ چشم داشتی انجام می داد ، شب ها به مطالعه می پرداخت و به هنگام سحر به راز و نیاز و نوافل شب و مناجات با خدا می پرداخت .

ص: ۴۴

۱- ۱ . روزنامه مهد آزادی ، چاپ تبریز ، دوشنبه ۳۰/۹/۸۸ .

این تلاشهای معنوی از او یک شخصیت روحانی و نورانی ساخته بود که در نزد خدا ضعیف و کوچک و در حضور مردم بسیار باعظمت و بزرگوار می نمود .

قناعت و اعتدال در زندگی

از برجسته ترین خصوصیات اخلاقی استاد ، زهد ، قناعت ، پارسایی و صرفه جویی در زندگی بود ، او نمونه واقعی زهد و پارسایی بود ، در امور معیشتی مقتصد بود ، یک جفت کفش را ۱۰ _ ۱۲ سال می پوشید ، ولی همیشه تمیز و پاکیزه بود .

او به خوبی می دانست که اگر در امور مالی مقتصد و پارسا نباشد ، ضرورت زندگی او را به این در و آن در می کشید و شخصیت معنوی خود را در نزد ارباب مال و منال ذبح می کرد ، دیگر آن میرزا عمران علیزاده نبود .

استاد اخلاق ، تواضع ، فروتنی و شخصیت مستقل غیروابسته داشت .

تألیف و تدریس

حوزه تبریز گرفتار پاره ای از مسائل شد ، بخش عظیمی به حوزه علمیه قم و بخش دیگری به حوزه های اطراف و حومه منتقل شدند ، آن شهرت ادبی و خروجی تألیفی و تصنیفی آن محدود شد ، در این میان ، این عالم دردآشنا نهج البلاغه را شرح کرد و با امکانات محدود خود به بازار نشر فرستاد ، در کنار درسهای طلاب و جلسات پربار هفتگی ، به تفسیر قرآن پرداخت و آثار پرباری را در حوزه قرآن و اهلبیت منتشر نمود .

هنگـامی که حق کشـی هـا به حـد اعلی رسـید و حق بـا باطل ممزوج شـد ، کتاب « نامـداران تاریـخ » را تألیف نمود و با یک شهامت ستودنی به شرح حال برخی از بزرگان فراموش شده پرداخت ، که تا آن روز کمتر کسی جرأت این کار را داشت .

او طـالب پست و مقـام نبـود ، او اهـل جـار و جنجـال نبود ، او از هوا و هوس و شـهرت گریزان بود ، او فقـط می خواست حق بزرگان ادا شود ولو بلغ مابلغ .

اینجانب این مصـیبت وارده را به حوزه علمیه تبریز و فرهیختگان آن دیار تسلیت گفته ، تمنا دارم نگذارند آثار علمی ـ تربیتی این اسـتاد وارسـته که مالامال از صـدق و صـفا بود و متعهـد به موازین شـرعی ، از میان برود . بلکه با تکمیل و تنقیـح به چاپ برسانند و در اختیار علاقمندان قرار دهند .

عاش سعیداً و مات سعیداً

ص: ۴۶

فرازهایی از مقاله پربار استاد ثقفی

حضرت حجه الاسلام والمسلمین دکتر سید محمّدثقفی به هنگام انتشار کتاب ارزشمند « نامداران تاریخ » مقاله ارزشمندی پیرامون شخصیت برجسته استاد علیزاده نوشتند ، که تحت عنوان « عالمی خدمتگزار » در روزنامه مهد آزادی تبریز منتشر شد ، پس از ارتحال اسفبار این استاد عالی مقدار مقاله پر باری نوشته اند که به نقل فرازهایی از آن بسنده می کنیم .(۱)

حجه الاسلام والمسلمین حاج میرزا عمران علیزاده ، استاد جامع حوزه علمیه تبریز ، در ۱۴ آذر ماه به درود حیات گفت ، با تشییع جنازه باشکوهی که از سوی شاگردان و نخبگان شهر برای آخرین بار بدرقه می شد ، در قسمت مخصوص عالمان اسلامی وادی رحمت تبریز به خاک سپرده شد .

بنده و صدها نفر از امثال بنده از دوران نخست طلبگی و تحصیلی خود که وارد مدرسه طالبیه شدیم ، با چهره نورانی ، روحانی ، متین ، متواضع ، مهربان و باوقار این استاد روبرو شدیم .

در میان فضلای آذربایجان کمتر کسی یافت می شود که در محضر استاد درس نخوانده باشد .

استاد در دو دهه اخیر از سوی تنگ نظران مورد بی مهری قرار گرفت و علت آن محبوبیت بی بدیل استاد در میان طلاب ، دبیران ،

۱- ۱ . روزنامه مهد آزادی ، چاپ تبریز ، پنج شنبه ، شنبه و دوشنبه (۲۶ ، ۲۸ و ۳۰ آذر) و سه شنبه اول دیماه ۱۳۸۸ ش .

فرهنگیان و فرهیختگان شهر بود ، او نه تنها استاد ، بلکه برای حوزویان پدری مهربان ، مربّی دلسوخته و معلّم نمونه بود .

استاد در روستای « غریبدوست » از بخش ترکمان شهرستان میانه دیده به جهان گشود ، پس از طی مقدمات از محضر اساتیدی چون : آیت اللّه حاج میرزا عبداللّه مجتهدی و شیخ احمد اهری بهره مند شده ، مراتب علم و کمال را پیمود .

استاد همچنین از محضر اساتیدی چون حضرات آیات : حاج سید مهدی انگجی ، حاج سید مرتضی مستنبط و حاج سید هادی خسروشاهی بهره ها برد .

استاد در مدمت اقامت دو ساله اش در قم مکاسب را در خدمت آیت اللّه موسوی اردبیلی و کشف المراد را در محضر آیت اللّه سید حسین قاضی فراگرفت و در جلسات تفسیر علامه طباطبائی حضور یافت .

آنگاه به تبریز بازگشته در کنار تکمیل علوم خود به تدریس ، تهذیب و تربیت طلاب پرداخت .

پرهیز از سهم امام

استاد از دوران طلبگی خود از وجوه شرعیه استفاده نکرد ، بلکه از طریق تصحیح متون دینی هزینه معیشتی خود را به دست می آورد .

یکی از آثار ارزشمندی که با تصحیح استاد چاپ شده ، کتاب « الانوار النعمانیه » سید نعمه اللّه جزایری است که با مقدمه و تعلیقات شهید قاضی طباطبائی ، تصحیح استاد علیزاده و استاد اهری ، از سوی انتشارات بنی هاشمی و حقیقت منتشر شده است .

رسالت روشن بینی

استاد علیزاده با تعهد و احساس مسئولیت ، حوادث فرهنگی و اجتماعی را ارزیابی صحیح نموده ، با آینده نگری ، درک مقتضیان زمان و فهم صحیح فرهنگ و ذهنیت مخاطبان ، اظهارنظر می کرد ، با کج فکری ، خرافه گرایی و انجماد ذهنی مبارزه می کرد .

استاد با ا ین رسالت روشن بینی از رجال فرهنگی ـ علمی جانبداری می کرد و در عرصه فقه و فقاهت پشتیبان مرجعیت بود .

استاد در کنار دروس حوزوی ، جلسات هفتگی برای عده ای از فرهیختگان دایر کرده بود ، با تدریس تفسیر و نهج البلاغه ، به طور منظم و برنامه ریزی دقیق جمع کثیری از دانشجویان ، دبیران ، بازاریان و طبقات مختلف را با حقایق تابناک قرآن و معارف اهلبیت آشنا نمود .

استاد در ایام سوگواری اهلبیت علیهم السلام مجلس عزا به پا می کرد و در ایام شهادت ائمه علیهم السلام به سوک می نشست .

استاد برای طلاب نیز جلسه تفسیر قرآن و شرح نهج البلاغه در مسجد مجتهد داشت که در حدود ۱۵۰ نفر از طلاب در آن شرکت می کرد .

بسیاری از اساتید دانشگاه را می شناسم که موضوع رساله های دکترای خود را در محضر استاد فراگرفته بودند و شماری از قُضات نیز علم قضاوت را از محضر استاد آموخته بودند .

در حوزه تألیف

از استاد بیش از چهل تألیف ارزنده برجای مانده که بهترین آنها به

نظر نگارنده « مثلهای حضرات معصومین » و « نامداران تاریخ » می باشد .

استاد سخنان مثل گونه حضرات معصومین را همانند « سخنان محمّد » جواد فاضل و « غررالحکم » آمدی ، گرد آورده ، ترجمه و شرح نموده است .

و در کتاب نامداران تاریخ ، شرح حال علمای اسلام ، به ویژه عالمان بزرگ استادان آذربایجان که در جای جای میهن اسلامی نورافشانی می کنند را به رشته تحریر درآورده است .

اگر استاد از داشتن فرزند محروم بود ، این شاگردان فرهیخته و تألیفات ارزنده ایشان هر یک صدقه جاریه ای است که آثار وجودی ایشان را به نسل های بعدی منتقل می کند .

اعتدال در راه

استاد علیزاده اسوه و الگوی اعتدال در شیوه زندگی بود ، او هرگز حقیقت را فدای مصلحت نکرد ، از بد حادثه خم به ابرو نیاورد ، با صلابتی چون کوه در برابر فرصت طلبان ایستاد ، از اعتقاد و تشخیص خود عقب نشینی نکرد و تاوانش را جانانه پرداخت .

او معتدل بود و از راه اعتدال که خط مستقیم اسلام است منحرف نشد .

حوزه های علمیه در طول قرون و اعصار ، از این عالمان سخت کوش فراوان دیده ، ولی متأسفانه در زمان ما دچار رکود شده و از پرورش چنین عالمانی فرومانده است .

آخرین دیدار

چندی پیش به دعوت برادر ارجمند و ارزشمند جناب استاد فرزانه به

تبریز رفته بودم که در جلسه دینی ـ علمی مرحوم آیت اللّه اشراقی که توسط استاد فرزانه اداره می شود سخنرانی کنم ، به مسجد مرکزی میدان مقصودیه رفته ، در نماز جماعت استاد علیزاده شرکت نمودم .

آثار ضعف در چهره و زبان استاد پس از دو سکته کاملاً مشهود بود ، ولی با ا ین حال همچنان رسالت خود را ادا می کرد ، پس از اقامه نماز دو آیه از آیات نورانی قرآن را برای حاضران تفسیر نمود و حاضران به بیان شیرین و شیوایش گوش جان سپرده بودند .

متأسفانه پس از چند روز خبر جانگداز ارتحالش را شنیدیم .

فقدان این عالم روشن بین و خدمت گزار را به خانواده محترمه ، فرهنگیان ، حوزویان و نخبگان تبریز تسلیت گفته ، علوّ درجاتش را از خداوند منّان خواستارم .

روحش شاد و راهش پر رهرو باد .

ص: ۵۱

سیمای استاد در آیینه ادب پارسی

در سوگ استاد حوزویان و راهنمای فرزانگان

اثر طبع شاعر فرزانه حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ اسداللّه جوانمرد

دریغ و درد که رفت از قضای بد ز میان کسی که عالم و آزاد مرد بود ، انسان

نبود منزل او این سه پنج محنت زا که چند روز در این کاروانسرا مهمان

بشر برای بقا آفریده شد نه فنا از آن نمود سفر بر سرای جاویدان

به حق ، آیت حق بود و حجه الاسلام کسی که شهرت علیزاده داشت نام عمران

همو به حوزه علمیّه نیم قرن استاد همو به مردم تبریز راهنمای جنان

امین بود و نماینده مراجع دین متین بود و به شیعه محل اطمینان

کتابهای مفیدی نوشت ره توشه چراغ راه شود از برای نسل جوان

هوا نداشت مقیّد به قید دین مبین دلیل و راهنما از برای رهپویان

به روزی یی که خدا داده بود قانع بود تمایلی ننمود از طمع به این و آن

ص: ۵۳

از آن جهت که چپ و راست گمرهی است نرفت به جاده وسط افتاد و شد روان در آن

ظریف جسم و سبک وزن بود سنگین عزم ز تندباد حوادث دمی نشد لرزان

چو کوه بر سر ایمان خویش ثابت بود اگرچه داد به این ثابتی بسی تاوان

شب غدیر از آن رفت بر لقای خدا که بر ولایت مولا علی بُدَش ایمان

به جای مانده دو سنگین ودیعه از طاها یکی است عترت و آن دیگرست هم قرآن

جدای نمی شود این دو ز یک دگر هرگز که تا رسد به حضور رسول عالمیان

هم از حریم ولایت دفاع سخت نمود که خود محبّ و مجاهد بُدی ز بهر آنان

هم از حریم کلام خدا به نیکی کرد دفاع با همه نیرو که داشت در امکان

به حفظ این دو ودیعه همیشه پای فشرد وفا به عهد و امانت کند به قدر توان

سلام خلق و درود خدا به روحی باد که عمر خویش به نیکی رساند بر پایان

از آن گریست در این غم فتی و فرزانه یکی یکی به در از دست می رود یاران

ص: ۵۴

۱۸ ذیحجه الحرام ۱۴۳۰ ق . برابر ۱۵ / آذرماه / ۱۳۸۸ ش .

در سوگ استاد فرزانه و آزاده حضرت

حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج میرزا عمران علیزاده

اثر طبع شاعر فرزانه حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباس رسولی

حیف کز دریای دانش گوهر یکتا برفت و از گلستان شریعت آن گل زیبا برفت

شمع جمع محفل علم و ادب خاموش شد روز ما را تیره کرده چون شب یلدا برفت

شیخ ، (عِمران علیزاده) ادیب روزگار دیده بر بست از جهان بر عالَم بالا برفت

مسجد و محراب و منبر از وجودش شد تُهی آه ، از کف صاحب آن منطق شیوا برفت

مجلس تفسیر و درسش تا ابد تعطیل شد زانکه استاد ادیب و فاضل و دانا برفت

عالِم پرهیزگار ، استاد اهل علم و فضل آتش هجران خود بِنْهاد در دلها برفت

خادم دین و شریعت صاحب عِلم و عمل مَظهر و مِصداق فضل و اسوه تقوا برفت

بر مراجع بود نایب در اُمور دین و شرع نایب شایسته هر مرجع والا برفت

درس و تعلیمش به جسم خلق می افزود جان وای بر ما ، از جهان آن مرد جان افزا برفت

عالِمی صاحِبدل و وارسته و آزاده بود گشته آزاد از غم دنیا و مافیها برفت

چون ندای اِرْجِعی بشنید از سوی خدا روح او ، لبّیک گو سوی حق یکتا برفت

در شبی خیلی مبارک ، لیله عید غدیر مِهر مولا در دِلش بر محضر مولا برفت

بود روشن بَزمها از نور روی آن عزیز بَزمها تاریک شد چون شمع بَزم آرا برفت

حامی شرعِ پیمبر بود با صدق و صفا پاکدامن بر حضور حضرت طاها برفت

بود مشتاق وصال حضرت ختمی مَأب بَهر دیدار رُخش چون عاشِق شیدا برفت

گوئیا از عرش اَعلا بود او را دَعوَتی بَهر آسایش از این دُنیای پر غوغا برفت

مرغ روحش در قفس آزرده و رنجور بود از قفس گشته رها در جنّه المَأوا برفت

زین جهان پر ز شور و شَر رهائی یافته روح پاکش پر زنان بَر عالَم بالا برفت

بر روانش چون حضیض جسم خاکی تنگ بود کرد پرواز از قفس بر ذروه اعلا برفت

گشت آسوده ز همّ و غمّ دنیای دَنی زین جهان پُر خطر در سایه طوبا برفت

ص: ۵۷

آسمانی بود او ، برگَشت سوی آسمان بود از دریا جدا ، در جانب دربا برفت

رفت از حیث عدد فردی ز دستِ دوستان لیک ، از دید خِرد گوئی که یک دُنیا برفت

در فراق جانگدازش دیده ها شد اَشکبار در عزای او توان و صَبر بر یغما برفت

دوستان در بزم ماتم سینه ها کردند چاک از زمین تا آسمان فریاد واویلا برفت

مادر گیتی نزاید همچو او دانشوری ای دریغ ، از شهر ما آن عالِم گویا برفت

نه از او باغی به جا نه کاخ و ویلائی بماند با دِل بی کینه و با دیده بینا برفت

در عزای او « رسولی » گفت با صد سوز دِل حیف کز دریای دانش گوهر یکتا برفت

شرح زندگانی خودنگاشته

مرحوم آیت اللّه حاج میرزا

عمران علیزاده قدس سره

ص: ۵۸

شرح زندگانی خودنگاشته استاد

این ترجمه حال و سوانح حیاتی استاد علیزاده به قلم ایشان در پایان جلد دوّم کتاب ارزشمند « نامداران تاریخ » ص ۲۸۴ ـ ۲۹۶ آمده است .

آنچه در پاورقی این بخش ، در شرح حال اساتید آیه اللّه علیزاده آمده ، عیناً از متن همین کتاب به تناسب اَعلامِ متن بدون هیچ تصرّفی درج شده است .

ص: ۵۹

اینجانب عمران علیزاده در پانزدهم ماه رمضان ۱۳۵۰ قمری برابر دی ماه ۱۳۱۰ شمسی در روستای غریبدوست در یک خانواده متدین و زحمت کش چشم به جهان گشودم .(۱)

پدرم مشهدی علی حسین شخصی متدیّن دارای سواد خواندن و نوشتن ، و ملتزم به شعائر دینی و مذهبی بود ، به حضرت سیدالشهداء علیه السلام علاقه مخصوص داشت ، و به ادای حقوق واجبه مواظبت می نمود ، مادرم نیز زن مؤمنه و متدیّنه و قرآن خوان و ملتزم به انجام تکالیف دینی خود می باشد .

پس از رسیدن به حدّ درک و تمیز قرآن را نزد پدر و مادرم و مکتب دار روستا مرحوم سید محمّدعلی حسینی که از سادات شریف و محترم بود با مقداری گلستان و نصاب یاد گرفتم .

تکمیل نصاب و گلستان و تاریخ معجم و صرف میر را در قریه شیخ احمدلو نزد مرحوم ملامطلب ترابی فراگرفتم .(۲)

تصریف و عوامل و نموزج و صمدیه و مقداری از سیوطی را نزد حاج میرزا علی اشرف نظری که تازه از قم آمده و بر مطالب وارد بود فراگرفتم .

۱- ۱ . غریبدوست دهی است از دهستان بروانان بخش ترکمان ، شهرستان میانه که در شش هزار گزی شمال باختری ترکمان ، و یک هزار گزی شوسه تبریز میانه قرار دارد (البته شوسه سابق) محلّی کوهستانی و هوای آن معتدل است سکنه آن شیعه و بزبان ترکی سخن می گویند . آب آن از چشمه و محصول آن غلّات و حبوبات بزرگ است ، شغل اهالی زراعت می باشد غریبدوست کناره راه (سابق) میانج و تبریز واقع است . غریبدوست در بیست و دو فرسخی تبریز و تقریباً نُه فرسخی میانه ، بین ترکمان چای از شرق ، و مهماندوست از شمال و سلیان سفلی از غرب ، و قراجه قیا و شیخ احمدلو از جانب واقع است . غریبدوست روستای مذهبی است که اهالی آن متدین و عارف به مسائل دینی و اکثراً باسواد می باشند ، غریبدوست دهِ عالم پرور است که از آن علمای زیاد برخاسته ، حتی علمای بعض روستاهای اطراف نیز از غریبدوست بوده ، علمائی که در گذشته از غریبدوست برخاسته و من آنها را ندیده ام بلکه نام آنها را از معمرین و بزرگان شنیده ام با آنها کاری ندارم و چیزی نمی نویسم و آنها بسیارند . نام علمائی را که دیده ام مرده اند و یا زنده بطور خلاصه می نویسم .۱ ــ میرزا رحیم افتخاری که عالم روستا و در اطراف مورد توجه و احترام بود سال ۱۳۱۷ شمسی مطابق ۸ ربیع الاول ۱۳۵۷ وفات یافت .
۲- ۲ ــ حاج میرزا خلیل افتخاری پسر میرزا رحیم که پس از پدرش عالم غریبدوست و در اطراف مورد احترام بود ، و در اوائل انقلاب به شهر مقدس قم مهاجرت و در آنجا روز پنجشنبه ۲۷/۷/۶۹ برابر ۲۸ ربیع الاول ۱۴۱۰ وفات یافت .

از خاطرات این دوره یکی این است که به سال ۱۳۲۰ ش که روسها به مملکت ما ایران حمله نمودند هواپیماهای روسی به چند جا از اراضی روستای ما بمب افکنده و کاغذ پاره ها در هوا پخش نمودند که باد آنها را به هوا برده و در هوا به صورت آتش پاره به نظر می رسید خیال می کردیم که می خواهند همه را آتش بزنند کم کم که پائین آمد معلوم شد تأمین نامه است .

در سال ۱۳۶۷ قمری مطابق ۱۳۲۷ شمسی جهت ادامه تحصیل پدرم مرا به تبریز آورده در منزل مرحوم میرزا فتاح آخوندی گذاشتند .(۱)

که روزها به مدرسه حسن پادشاه(۲) رفته و درس و بحث خوانده نزدیک غروب برمی گشتم ، پس از چند ماه در مدرسه منزل گرفته و مشغول شدم مقدار کمی از سیوطی و جامی را به طور متفرقه از محضر مرحوم آقا سید موسی و آقای سید یوسف مدنی فراگرفتم .(۳)

از خاطره های این دوره یکی این است که من با دو نفر دیگر به نام سید خلیل و میرزا ابوالحسن هم منزل بودیم ایشان از جائی عایدی نداشتند و بسیار نماز می خواندند و می گفتند : نماز قضا می خوانیم ، بعداً معلوم شد که برای تأمین معاش نماز استیجاری می خوانند ، مخارج مرا پدرم می فرستاد که در زمستان راه بسته شد و ما سه روز در آن منزل گرسنه ماندیم ، بعداً سید خلیل در جوانی و در ایام تحصیل وفات یافت .

بعداً من به مدرسه طالبیه نقل مکان کرده و حاشیه و معالم و مقداری تجوید از آقای حاج میرزا عبدالکریم ملائی خواندم .(۴) مقداری از مطول را از حاج سید رضا مرندی که از وعاظ محترم تبریز بود خواندم .(۵)

۱- ۱ . میرزا فتاح آخوندی پسر میرزا مهدی اصل آنها و میرزا غلام و پسرانش میرزا میثم و میرزا مجید از غریبدوست بوده و در روستای شیخ احمدلو ساکن بودند و میرزا مهدی در آنجا علاقه مالکی داشت ، و دو زن داشت که میرزا فتاح از همسر اولش بود ، وی از تبریز ازدواج کرد و به شیخ احمدلو آورد ، ولی نتوانستند با زن دوم میرزا مهدی سازکار آیند ، لذا همسر و مادرش را برداشته و به تبریز آمد و در محله غیاث سکونت نمود و در مدرسه ملّی محمّدیّه معلمی می کرد . مرحوم میرزا فتاح خوش خلق و معاشر بود ، و با عسرت و تنگدستی و اجازه نشینی زندگی می کرد ، در اواخر منزلی تهیه نمود و وضعش رو به بهبودی می رفت که مبتلا به برونشت شدید شد پس از معالجات ممتد بالاخره در نوزده تیر ۱۳۴۰ وفات یافت .
۲- ۲ . مدرسه حسن پادشاه : یکی از مدارس علوم دینی ، در میدان صاحب الامر است ، این مدرسه در زمان طلبگی ما از مدارس آباد و با برکت و پر از طلاب فاضل و متقی بود ، فعلاً مخروبه است .
۳- ۳ . آقای سیّد موسی ، سیّدی بود وارسته و فاضل و دارای بیان رسا که ضمن تحصیل به منبر می رفت ، در جوانی وفات یافت خدا رحمتش کند . آیت اللّه سید یوسف مدنی یکی از اساتید معروف حوزه قم و از مراجع دارای رساله عملیه می باشد و کتب زیاد که برای مسلمانان و بعضی بالخصوص برای طلاب نافع است تألیف نموده اند .
۴- ۴ . حاج میرزا عبدالکریم ملائی یکی از علماء فاضل و متقی و از اساتید پرکار است ، معظم له به سال ۱۳۰۸ ش در تبریز

متولد شد ، پس از تحصیل مقدمات سطوح عالیه را از محضر حاج شیخ حسین شنب غازانی ، حاج سید مرتضی خسروشاهی و آیت اللّه شریعتمدار فراگرفت . به سال ۱۳۳۰ ش به حوزه علمیه قم مهاجرت نموده و از دروس حضرات آیات عظام : نجفی مرعشی ، شریعتمداری ، بروجردی و شیخ عباسعلی شاهرودی کسب فیض نموده و در شهر قم اقامت گزید ، از آثار چاپ شده ایشان است : صِیغ العُقود ، نثر اللآلی در شرح نظم اللآلی .

۵- ۵ . مرحوم علیین رتبت حجه الاسلام آقای حاج سید رضا معروف به « واعظ مرندی » فرزند حجه الاسلام مرحوم حاج میر علی مرندی مشهور به « صحیح خوان » از سادات مشهور شهر مرند می باشند ، سومین جد حاج سید رضا آقا در مرند مدفون است و مقبره مشهور دارد و صاحب کرامات عالیه می باشد ، و نسبش با واسطه کمی به حضرت موسی بن جعفر علیه السلام می رسد . والده معظم له از سادات معروف بروجرد و عمه حضرت آیت اللّه حاج سید محمّدکاظم شریعتمداری قدس سره می باشد . آقای مرندی به سال ۱۳۳۲ ه . ق . در تبریز متولد شد ، مقدمات و ادبیات را در تبریز از اساتید فن فراگرفت ، پس از رسیدن به سنّ بلوغ رسائل و مکاسب را در محضرت آیت اللّه حاج شیخ حسین توتونچی تبریز تلمّذ نمود . سپس به حوزه علمیه قم مهاجرت و از درس خارج آیت اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری رضوان اللّه علیه استفاده نموده و به اخذ اجازه از آیات عظام نائل آمد ، در اثر اذیت و فشار رضاشاه به روحانیون و معلمین بالخصوص به حوزه علمیه قم نتوانست در قم بماند لذا به تبریز مراجعت نموده و مشغول انجام وظائف ارشاد و تدریس شدند . حدود ده بار کتاب شرح لمعه را از اول تا آخر بالخصوص کتاب حج آن را تدریس نمود ، دو بار به زیارت خانه خدا و دو بار به زیات عتبات عالیات مشرف شده و با علماء آن سامان ملاقات داشته و با آیت اللّه حاج میرزا فتاح شهیدی رحمه الله آشنا شد که پس از مراجعت ایشان به تبریز به سال ۱۳۶۱ قمری رابطه محبت و دوستی آنها محکم تر گردید . در تبریز با اینکه تدریس داشتند در اثر علاقه خاص به حضرت اباعبداللّه الحسین علیه السلام و اشتیاق به ارشاد مؤمنین شغل منبری بودن و وعظ و تبلیغ را انتخاب نمود ، در منابر عمدتاً مسائل فقهی را با بیان روشن و مستدل می فرمودند ، و روایات اعتقادی و اخلاقی را تشریح می نمودند . پس از ۶۴ سال عمر با شرافت در سوم ماه صفر ۱۳۹۶ قمری در تبریز داعی حق را اجابت نمود ، پس از نماز و تشییع مجلل از طرف علماء و اصناف و سایر طبقات به شهر قم منتقل و در آنجا نیز تشییع مجلل و در قبرستان وادی السلام دفن شد . « معظم له از وعاظ معروف و دانشمند و باتقوای تبریز بود ، منبر گیرا و نافع و استفاده کردنی داشت ، با بیان مسائل شرعی و روایات اسلامی مردم را ارشاد می نمود ، به سال ۱۳۳۱ شمسی اینجانب با عده ای مقداری از کتاب مطول را در خدمت ایشان تلمّذ نمودم که خوب از عهده تدریس آن کتاب مشکل برمی آمد » .

جلد اول شرح لمعه را تا کتاب متاجر از حاج سید مهدی آقا انگجی ،(۱) جلد دوم شرح لمعه را با مقداری از رسائل از حاج سید هادی آقا خسروشاهی فراگرفتم ،(۲) و مقداری از کشف المراد و منظومه سبزواری قسمت حکمت آن را از حاج سید مرتضی آقا مستنبط ،(۳) و شرح باب حادی عشر را از مرحوم حاج سید محمّد بادکوبه ای خواندم .(۴)

یکی از خاطره های این دوره این است که من هر روز چهار ــ پنج دوره از سیوطی و حاشیه و معالم درس می دادم شاگردان زیادی داشتم رئیس بی لیاقت مدرسه به خاطر اینکه به نماز و مسجد او نمی رفتم مانع تدریس من در مدرسه شد و به من کارت معافیت از سربازی نداد ، من هم در مساجد خارج مدرسه درس هایم را دادم ، و کارت معافیت را از سایر آقایان تهیه نمودم .

در سال ۱۳۷۵ قمری ارباب ده ما حاجیه خانم ، عیال حاج یوسف قزوینی ، به اشاره عالم ده آقا میرزا خلیل افتخاری مبلغ یکصد تومان به من داد که خرج خود کرده به حوزه قم مهاجرت نموده و در مدرسه حجتیه منزل گرفته ، مقداری از مکاسب را از حاج سید عبدالکریم اردبیلی و استصحاب رسائل را از حاج میرزا علی مشکینی ، و مقداری از کشف المراد را از حاج سید حسین قاضی فراگرفته ،(۵) و در جلسات تفسیر علامه طباطبائی حاضر می شدم .(۶)

در سال ۱۳۷۲ قمری به اصرار پدر و مادرم ازدواج نموده و همسرم را نزد ایشان گذاشته و خود در پی تحصیل رفتم ، تا آنکه در سال ۱۳۷۷ قمری در تبریز منزل گرفته و همسرم را از ده آورده باز مشغول

---

۱ - ۱ . حاج میرزا مهدی آقاانگجی فرزند برومند آیه اللّه حاج سید ابوالحسن انگجی یکی از علماء معروف و اساتید بزرگوار تبریز بود ، به سال ۱۳۲۲ ه . ق . برابر با ۱۲۸۳ شمسی چشم به جهان گشود ، از محضر والد معظم خود و سایر اساتید تبریز استفاده ها نمود . در سال ۱۳۴۷ قمری برابر با ۱۳۰۸ شمسی به حوزه قم مشرف شده و مدت ها از درس مرحوم آقا میرزا محمّد همدانی متوفّای ۱۳۶۵ ه . ق . و آیه اللّه حائری و آیه اللّه حجت کوهکمری متوفّای ۱۳۷۲ ه . ق . رضوان اللّه علیهم استفاده برد ، پس از وفات آیه اللّه حائری به سال ۱۳۵۵ قمری به تبریز مراجعت نموده به اقامه نماز جماعت و تدریس علوم و تربیت طلاب و ارشاد مردم مشغول شد . معظم له بیان شیوا و نفس گرم داشت ، در جلسه درس شرح لمعه ایشان در حدود صد نفر جمع می شدند و از علم و اخلاقش استفاده ها می بردند ، تا آنکه در سال ۱۳۳۱ ش در هفدهمین دوره مجلس شورای ملی برادرش حاج سید محمّدعلی انگجی و حاج سید ابراهیم میلانی و حاج سید مرتضی شبستری کاندید نمایندگی مجلس شورای ملی شدند و مرحوم حاج سید مهدی از ایشان پشتیبانی کرده و نطق ها ایراد نمود ، این موضوع بالخصوص پس از آنکه آقایان در مجلس موفقیت به دست نیاوردند باعث کسر محبوبیت و انزوای مرحوم حاج میرزا مهدی آقا شد . لذا به سال ۱۳۳۳ شمسی به طهران منتقل شده و اقامت گزید ، در مسجد ملک بازار اقامه نماز جماعت نموده و به تدریس طالبان علم و ارشاد مردم و رهبری مؤمنین اشتغال داشت ، تا آنکه بعدازظهر روز جمعه چهارم دی ماه ۱۳۴۳ شمسی برابر بیستم شعبان ۱۳۸۴ قمری داعی حق را لبیک گفته و در مسجد موزه (آینه) قم به خاک سپرده شد .

۲ - ۲ . حاج سید هادی خسروشاهی فرزند حاج سید باقر خسروشاهی که شرح حالش با قلم خودش که به درخواست اینجانب

مرقوم نموده اند نقل می شود : مرحوم والدم آقای حاج سید باقر خسروشاهی از شاگردان مرحوم آقای شیخ هادی طهرانی بود ، پس از مراجعت از نجف اشرف در خسروشاه اقامت داشت و مقبره اش در آنجا جنب منزلشان است . خود اینجانب سید هادی خسروشاهی در یک خانواده ای که تا هفتمین اجدادم روحانی بودند در خسروشاه چهار فرسخی تبریز به سال ۱۳۲۷ ه . ق در ماه جمادی الثانی شب جمعه موقع اذان صبح به این دنیای پر از ماجراهای گوناگون چشم گشودم . پس از طیّ مرحله مکتب خانه در خسروشاه در تاریخ ۱۳۴۲ ه . ق در بیست و دوم محرم الحرام جهت کسب علوم دینی وارد مدرسه طالبیه تبریز شدم ، مقدمات صرف و نحو را از مدرسین طلاب مدرسه فراگرفتم ، کتاب مطول را از مرحوم حاج ملا حسینعلی واعظ ، شرح لمعه را از خارج ملا صادق طاهباز ، قوانین از مرحوم حاج شیخ حسین شنب غازانی ، رسائل را تا مبحث اجماع از مرحوم حاج سید محمّد مولانا فراگرفتم . بعد از آن ، شورش و انقلاب پیش آمد کرد و اوضاع مدارس دینی از جمله مدرسه طالبیه به هم خورد لذا در اواخر ذی حجه ۱۳۴۷ ه . ق به مشهد مقدس مهاجرت نموده و بقیه رسائل و مکاسب را از مرحوم حاج میرزا ابوالحسن آقا انگجی که در آنجا به عنوان تبعید اقامت داشت تحصیل نموده ، جلدین کفایه را از آقا شیخ هاشم قزوینی ، منظومه و اسفار را از مرحوم آقامیرزا مهدی آقابزرگ ، شواهد الربوبیه را از مرحوم آقابزرگ حکیم خواندم ، و به درس خارج اصول مرحوم آقا میرزا مهدی اصفهانی و مرحوم آقا میرزا محمّد آقازاده ، خارج درس فقه حاج آقا حسین قمی حاضر شدم . در سال ۱۳۵۱ ه . ق . به نجف اشرف رفته و در درس مرحوم حاج شیخ محمّدحسین اصفهانی و مرحوم آقای نائینی و مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی و مرحوم آقاضیاء عراقی تا سال ۱۳۵۹ ه . ق حاضر شدم . در تاریخ ۱۳۵۹ به تبریز مراجعت نموده ، بیست سال در تبریز مانده بدترین ایام عمرم را گذراندم تا آنکه در تاریخ ۱۳۳۶ ه . ش به طهران رفته و تا حال (۲۷/۹/۱۳۶۷ ش) در آن شهر اقامت نموده ام . اما خدمات علمی و اجتماعی اینجانب از اول ورودم به تبریز تدریس شرح لمعه ، رسائل ، مکاسب و کفایه و درس خارج ، و در طهران هم تقریباً از اوائل ورودم تدریس و تربیت طلاب و اداره مدرسه شیخ عبدالحسین در بازار طهران و در تبریز علاوه به تدریس تشکیل خیریه نوبر و مدارس هاشمیه و قدس که تا حال آن خدمات ادامه دارد ، و حالا در سن ۸۲ سالگی با ضعف مزاج باز فی الجمله به تدریس اشتغال دارم از خداوند متعال تقاضای فضل و کرم دارم « الاحقر خسروشاهی » . معظم له از اساتید اینجانب می باشد جلد دوم شرح لمعه و مقداری از رسائل را از محضرشان فراگرفته ام ، قلب پاک و نیت سالم و بیان شیوا دارند که در مدت نیم ساعت زیاده از یک صفحه شرح لمعه را تحویل می داد و می فهماند و سه جلسه درس پشت سر هم می فرمود ، در آخر مبتلا به برنشیت مزمن شدند به علت ناسازگاری هوای تبریز و تجویز پزشکان به تهران منتقل شدند متأسفانه پس از پیروزی انقلاب مسئولیت بنیاد مسکن را قبول نموده و وعده های ناشدنی به مردم داد در نتیجه از محبوبیت خود کاست . چهارشنبه ۱۶ شعبان ۱۴۱۸ برابر ۲۶ آذرماه ۱۳۷۶ در تهران وفات یافت .

۳ - ۳ . مرحوم سید مرتضی مستنبط غروی از علماء درجه اول تبریز بود ، در فقه اجتهاد و در حکمت و فلسفه و تفسیر تبحّر خاصّ داشت ... قریب هشتاد سال عمر کرده بود ، و در خرداد ماه سال ۱۳۵۰ ش به رحمت ایزدی پیوست . پدر آقای مستنبط مرحوم سید رضی بن سید احمد بن سید نصر اللّه بن سید حسین موسوی از علماء فاضل تبریز بود ، به سال ۱۲۷۰ ه . ق . تولد یافت ، پس از فراگرفتن مقدمات و بعض سطوح به نجف اشرف مهاجرت نموده و در حوزه درس آیه اللّه سید حسین کوهکمری و آیه اللّه حاج میرزا حبیب اللّه رشتی و ملاعلی نهاوندی و فاضل ایروانی حاضر شده و کسب دانش نمود . پس از هیجده سال اقامت در نجف به وطن خود تبریز برگشته و مشغول انجام وظائف شرعی و رسیدگی به امور مردم شد تا به سال ۱۳۴۷ قمری وفات یافت و جنازه اش حمل به نجف و در آنجا دفن شد ، جد اعلای او : سید حسین موسوی اهل ساوه بود که

از آنجا به تبریز مهاجرت نموده و تشکیل خانواده داده است ، مرحوم سید رضی به غیر از سید مرتضی دو پسر دیگری داشت به نام آیه اللّه سید احمد و آیه اللّه سید نصر اللّه که هر دو از علماء معروف بودند . حکیم متقی ، مفسر متتبع حاج سید مرتضی مستنبط از علماء معروف تبریز دارای علم وسیع ، اخلاق خوب ، بیان گیرا بود درِ خانه اش همیشه به روی طالبان علم و دین باز و خودش آماده تعلیم و ارشاد بود ، روزهای هفته درس تفسیر و قسمت حکمت منظومه را داشت و در عصر روزهای جمعه خودش در منزل خود به منبر رفته و مردم را مستفیض می کرد . حقیر سال ها با ایشان ارتباط داشتم قسمتی از منظومه را در خدمتشان خواندم و تفسیر آلاء الرحمن ایشان را که تفسیر جزو سی ام قرآن و الحق تفسیر پرفائده است موقع چاپ تصحیح و بررسی کردم ، متأسفانه قسمت اول آن که تفسیر سوره بقره و آماده چاپ بود پس از وفاتش به دست یکی از علماء تبریز افتاد که نه خودش چاپ کرد و نه به دیگران داد حتی خود حقیر مایل به چاپ بودم و سه بار مراجعه کردم سخنان بی مورد گفت و نداد . مرحوم مستنبط شوخ طبع و بی آلایش بود لذا گاهی بعض اشخاص مغرض از صافی و بی آلایشی او سوء استفاده می کردند : مثلاً ـ در خیابان دارائی حمامی بود مخروبه که وقف خاص بود و موقوف علیهم منقرض شده و وقف خراب و بلا استفاده و به صورت مزبله مانده بود ، آیه اللّه سید کاظم شریعتمداری آن را به کسی اجاره داد ، مستأجر از زیر زمین محل حمامی و روی آن یک تیمچه سه طبقه درست نمود . دو نفر از علماء تبریز و مرحوم مستنبط کاغذی بر علیه اقدام آیه اللّه شریعتمداری نوشته و امضاء و پخش کردند که باطل بود من با مرحوم مستنبط ملاقات کرده و گفتم : آقا شما سهم امام نمی گیرید ، امامت نمی کنید و می گوئید : من در کارهای آخوندی دخالتی نمی کنم ، چرا در این کار که رقابت و یا حسادت آخوندی است دخالت کرده اید ؟ دقائقی متحیّر ماند و بعد گفت فلانی مرا فلان کس اغفال کرد و فریب داد ، تو راست می گوئی من نبایستی در همچو کاری مداخله کنم . بالاخره در پنجم ماه جمادی الثانی سال ۱۳۹۱ ه . ق . بـه رحمت ایزدی پیوست ، آن مرحوم دائم الذکر بود و به نوافل یومیه مواظبت داشت ، حتی شب وفاتش نوافل شب را به جا آورد . رحمه اللّه علیه .

۴ - ۴ . مرحوم حاج سید محمّد بادکوبه ای مردی عالم ، متقی و بسیار محترم بود ، وعظی گرم و گیرا داشت ، ترکی را به لهجه قفقازی صحبت می کرد و به جای کلمه « نه ایچون » یعنی : چرا ؟ کلمه « نُشون » می گفت ، و از این لحاظ در تبریز به « نشون آقا » شهرت داشت . وی پدر زن آقای دکتر عبدالامیر سلیم استاد دانشکده ادبیات تبریز بود ، در تابستان سال ۱۳۴۷ ه . ش ۱۳۸۷ ق . به رحمت ایزدی پیوست . مرحوم بادکوبه ای از علماء پاک نفس و زاهد تبریز بود ، حقیر با سه نفر طلبه دیگر کتاب باب حادی عشر را در خدمتش می خواندیم ، به ما خودش نقل می کرد که مدت ها در بادکوبه به اقامه نماز جماعت و وعظ و تبلیغ اشتغال داشتم که پس از ظهور رژیم کمونیستی بلشویکی مانع نماز و منبرم شدند و تحت تعقیب قرار گرفتم . اردبیلیهای مقیم بادکوبه مدت ها مرا در زیرزمینی مخفی نمودند تا آنکه در موقع فرصت فراری داده به اردبیل آوردند ، در اردبیل مشغول اقامه نماز و تبلیغ و ارشاد بودم که رضاخان ظهور نمود و مانع نماز و تبلیغ من شد و مرا به طهران بردند و تعهد گرفتند که به اردبیل برنگردم ، آمدم در تبریز مقیم شدم . آرزو دارم که محاسنم با خون سرم خضاب شود . وی شب ها در مسجد ویجویه (وَرجی) و ظهرها در مسجد بازار کفاشان (خ دارائی) اقامه نماز جماعت می کرد ، روزهای جمعه به منبر می رفت قرآن را در دست گشوده از روی آن قرآن را می خواند و تفسیر و موعظه می کرد و خود می گریست و مردم را می گریاند و سخنان شوخ نیز می گفت و مردم را می خندانید رحمه اللّه علیه . « وی همراه با شیخ عبدالغنی بادکوبه ای زندانی بود ، و از خدمات او یکی تأسیس دانش سرای دینی بود که تعداد زیادی دانشجو داشت و خود در آن تدریس می کرد و علی رغم حمله ضد دینی بلشویکها رونق روزافزون می یافت » .

۵ – ۵ . حجه الاسلام والمسلمین آقای حاج سید حسین قاضی طباطبائی فرزند سید احمد قاضی از علماء بزرگ و مدرسین معروف حوزه علمیه قم و از افاضل اصحاب آیه اللّه سید محمّدحجت کوهکمری بود . آن مرحوم به سال ۱۳۱۷ ه . ق . در تبریز متولد شد ، مدتی از خدمت اساتید حوزه تبریز از جلمه حاج میرزا علی اصغر ملکی و آیه اللّه انگجی متوفّای ۱۳۵۷ قمری استفاده نمود ، سپس به نجف اشرف مهاجرت کرده و از محضر آیات عظام : حاج شیخ احمد کاشف الغطاء متوفّای ۱۳۴۴ ه . ق . و ملامحمّد فاضل ایروانی متوفّای ۱۳۰۶ ه . و آقاضیاء عراقی متوفّای ۱۳۶۱ ه . وآقا سید تراب خوانساری متوفّای ۱۳۴۶ ه . استفاده ها برد . پس از مدتی توقف در نجف به مشهد مقدس مهاجرت نموده و در درس آیه اللّه حاج آقا حسین قمی متوفّای ۱۳۶۶ ه . ق . و آقازاده خراسانی و آقامیرزا مهدی اصفهانی حاضر شد . به تاریخ ۱۳۵۴ قمری وارد حوزه قم شده و یک سال در محضرت آیه اللّه حائری متوفّای ۱۳۵۵ ه . حاضر شد ، و پس از وفات او منحصراً از آیه اللّه حاج سید محمّدحجت متوفّای ۱۳۷۲ ه . استفاده می نمود ، و از یاران و مشاوران او بود ، و خود به تدریس فقه و اصول و کلام اشتغال داشت . حقیر به سال ۱۳۷۵ قمری مقداری از کتاب کشف المراد را از خدمتشان استفاده کردم بیان شیرین و با تأنّی داشت ، علاوه بر آنکه مطالب کتاب را به بهترین وجه تفهیم و تشریح می کرد و زیاده از مطالب کتاب استفاده های علمی و تاریخی و اخلاقی می داد و به گرمی جلسه درس می افزود ، وی خیلی مهربان و متواضع و با وقار بود . در اواخر عمر به اصحاب آیه اللّه حاج سید محمّد کاظم شریعتمداری متوفّای ۱۴۰۶ ه . ق . پیوسته و از مشاوران او بود ، تا در شب سه شنبه ۲۶ ربیع الثانی سال ۱۳۹۳ قمری وفات نموده و در قبرستان حائری در مقبره والدش مدفون شد . آقای قاضی دارای نفس قدسیه و صاحب کرامات بود حتی معروف است که امام خمینی رحمه الله موقع بیماری فرزندانش آنها را پیش آقای قاضی می فرستاد که دست به سر ایشان بکشد تا شفاء یابند .

۶ – ۶ . سید محمّدحسین طباطبائی فرزند سید محمّد بن سید محمّدحسین بن سید علی اصغر شیخ الاسلام بن سید محمّدتقی قاضی طباطبائی ، علامه نامی فیلسوف الهی ، مفسر کبیر ، مجتهد عالیقدر ، عالم اخلاقی ، صاحب تفسیر کبیر « المیزان » در ۲۹ ذی الحجه ۱۳۲۱ ه . ق . برابر ۱۲۸۱ شمسی در شهر تبریز چشم به جهان گشود . در روز یکشنبه هیجدهم محرم الحرام ۱۴۰۲ قمری برابر با ۲۴ آبان ۱۳۶۰ شمسی در ساعت نه صبح به دنبال یک کسالت طولانی چشم از جهان فروبست ، و در مجموع عمر هشتاد سال و هیجده روز خود مفاخری آفرید ، آثاری به یادگار گذاشت ، شخصیت هائی را پرورش داد ، تحولاتی در علوم اسلامی پدید آورد و تألیفات بس ارزنده از خود به جای گذارد . علامه طباطبائی شرح حال خود را چنین می نگارد : نویسنده محمّدحسین طباطبائی سال ۱۲۸۱ شمسی در تبریز در میان خانواده علمی به وجود آمدم ، در سن پنج سالگی مادر را ، و در سن نُه سالگی پدر را از دست دادم ، و به مناسبت اینکه کم و بیش مایه معاش داشتم سرپرست ما (وصی پدر) وضع زندگی ما (من و برادر کوچکتر از خودم) را به هم نزد : کمی پس از مرگ پدر به مکتب ، و پس از چندی به مدرسه فرستاده شدم . و بالاخره به دست معلّم خصوصی که به خانه می آمد سپرده گشتیم ، و به این ترتیب تقریباً مدت شش سال مشغول فراگرفتن فارسی و تعلیمات ابتدائی بودیم ، آن روزها تحصیلات ابتدائی برنامه معین نداشت ، همین قدر به یاد دارم که در فاصله میان ۱۲۹۰ ـ ۱۲۹۶ که مشغول بودم قرآن کریم را که معمولاً پیش از هر چیز دیگر خوانده می شد ، و کتاب گلستان و بوستان و نصاب و اخلاق مصوّر و انوار سهیلی و تاریخ معجم و منشآت امیر نظام و ارشاد الحساب را خواندم . سال ۱۲۹۷ وارد رشته های علوم دینیه و عربیه شدم ، و تا سال ۱۳۰۴ قمری به قرائت متون سرگرم بودم ، در ظرف همین هفت سال در علم صرف : کتاب امثله و صرف میر و تصریف ، و در نحو : کتاب عوامل و انموزج و صمدیه و سیوطی و جامی و مغنی ، و در بیان : کتاب مطوّل ، و در فقه : کتاب شرح لمعه و مکاسب ، و در اصول : کتاب معالم و قوانین و رسائل و کفایه ، و در

منطق : کبری و حاشیه و شرح شمسیه ، و در فلسفه : کتاب شرح اشارات و در کلام : کتاب کشف المراد را خواندم ، و به همین ترتیب دروس متن (در غیر فلسفه و عرفان) پایان یافت . سال ۱۳۰۴ ش برای تکمیل تحصیلات خود عازم حوزه نجف گردیدم ، و به مجلس درس مرحوم آیه اللّه شیخ محمّدحسین اصفهانی حاضر شده ، یک دوره خارج اصول که تقریباً شش سال طول کشید ، و چهار سال نیز خارج فقه معظم له را درک نمودم ، و همچنین هشت سال در خارج فقه مرحوم آیه اللّه سید ابوالحسن اصفهانی رفتم ، کلیات علم رجال را نیز پیش مرحوم آیه اللّه حجت کوهکمری رفتم . در فلسفه نیز به درس حکیم و فیلسوف معروف آقای سید حسین بادکوبی موفق شدم و ظرف شش سال که پیش معظم له تلمّذ می کردم منظومه سبزواری و اسفار و مشاعر ملّاصدرا و دوره شفای بوعلی و کتاب اثولوجیا و تمهید ابن ترکه و اخلاق ابن مسکویه را خواندم . مرحوم بادکوبه ای از فرط عنایتی که به تعلیم و تربیت نویسنده داشت امر فرمود که به تعلّم ریاضیات پردازم ، در امتثال امر معظّم له به درس مرحوم سید ابوالقاسم خوانساری که ریاضیدان زبردست بود حاضر شدم و یک دوره حساب استدلالی و یک دوره هندسه مسطحه و فضائی و جبر استدلالی از معظم له فراگرفتم . سال ۱۳۱۴ ه . در اثر وضع معاش ناگزیر به مراجعت شده به زادگاه اصلی خود (تبریز) برگشتم و ده سال و خورده ای در آن سامان به سر بردم که حقّاً باید این دوره را در زندگی خود دوره خسارت روحی بشمارم ، زیرا در اثر گرفتاری ضروری به معاشرت عمومی ، و وسیله تأمین معاش که از مجرای فلاحت بود از تدریس و تفکّر علمی جز مقدار ناچیز باز مانده بودم و پیوسته با یک شکنجه درونی به سر می بردم . در ۱۳۲۵ شمسی از سر و سامان خود چشم پوشیده زادگاه اصلی را ترک گفته متوجّه حوزه قم گردیم و بساط زندگی را در این شهر گستردم ، و دوباره اشتغالات علمی را از سر گرفتم و تاکنون که اوائل سال ۱۳۴۱ می باشد روزگار خود را در این سامان می گذرانم » .

در آن موقع در حوزه علمیه قم جلسات فقه و اصول به قدر کافی موجود بود ، لذا علامه طباطبائی جلسه فقه و اصول تشکیل نداد ، بلکه به تدریس فلسفه ، تفسیر ، حدیث ، اخلاق هیئت و ریاضیات که مورد نیاز حوزه بود اشتغال نموده و پروانه های این علوم را به دور شمع وجودش جمع می نمود . علامه بزرگوار عشق عمیق به اهل بیت عصمت و طهارت داشت بالخصوص به جده مطهره اش فاطمه زهراء علیهاالسلام علاقه مخصوصی داشت که هر وقت نام مبارکش را می شنید قطرات اشک به صورتش سرازیر می شد . همه ساله به مشهد مقدس رفته و به زیارت ثامن الائمه مشرف می شد تا حدّ امکان خود را به ضریح مقدس رسانیده روح خود را جلاء و صفا می بخشید در ماههای محرم و صفر زیارت عاشورا را ترک نمی کرد . علامه طباطبائی به حق از ذخائر الهی و مفاخر اسلام بود ، مراتب علمی و فلسفی و روش جدید ایشان در تفسیر قرآن کریم و احیاء فلسفه اعلی در حوزه های علمیه بر کسی پوشیده نیست . از علامه طباطبائی آثار ارزنده بسیاری به یادگار مانده که به چند نمونه از آنها اشاره می شود :۱ ـ تفسیر « المیزان » در ۲۰جلد که امّ الکتاب او است ، این تفسیر شهر حکمت و مدینه فاضله و والاترین تفسیر در جهان تشیّع است .

تحصیل و تدریس شدم ، بقیه مکاسب را از حاج میرزا عبداللّه مجتهدی ،(۱)

ص: ۶۵

۱- ۱ . حاج میرزا عبـداللّه مجتهدی فرزند حاج میرزا مصـطفی فرزند میرزا حسن فرزند میرزا باقر فرزند میرزا احمد بن لطفعلی خان ، عالم بزرگ ، دانشمند وارسته ، ادیب محقق ، از افاضل علماء تبریز ، و از لحاظ علم و نبوغ و مجد و عظمت همتای پدر و جانشـین اجـدادش بود ، در فقه و اصول و حـدیث و رجال و دیگر علوم متـداوله یدِ طولی داشت ، و با کثرت تنوّع اطلاعات تاریخی و ادبی ممتاز می باشـد ، و از آیه اللّه حاج شیخ عبدالکریم حائری اجازه اجتهاد دارد . وی در سال ۱۳۲۰ ه . ق . تولد یافته و در حجر تربیت پـدر تحصـیل مقدمات علوم کرده از خرمن علم و معرفت بقدری که در تبریز مقدور بود خوشه چیده و نزد علماء تبریز مانند آیه اللّه حاج میرزا خلیل آقا مجتهد و آیه اللّه میرزا رضـی خود را تکمیل نمود ، و در سال ۱۳۴۴ قمری به قصد تکمیل تحصیلات خود به حوزه علمیه قم مسافرت نموده ، بیش از شش سال در آن شهر از دروس آیه اللّه حائری و حاج شیخ محمّدرضا اصفهانی و آیه اللّه یثربی کاشانی استفاده کرده ، بالاخره از این دو استاد اجازه اجتهاد دریافته و در سال ۱۳۵۰ به تبریز بازگشته است . آقای میرزا عبداللّه از قیافه های جالب آذربایجان است ، وی علاوه بر اینکه در فقه و اصول استاد است و علمـاء بزرگ قم و نجف به مقام علمی او معترف هسـتند ، در ادبیات و تاریـخ عرب و زبان ترکی و فرانسه و انگلیس احاطه کامل دارد و کتب تألیف شـده در این زبانها را مطالعه می کند و انتقاد می نماید و به نکات باریک آنها متوجه می شود ، وی یک شـیعه به تمام معنی است و حضـرت علی علیه السلام را از صمیم دل دوست می دارد . صبحهای جمعه مجلس تفسیر دارد ، متجاوز از صد نفر واقف به مقتضیات روز و علاقمند به اسلام در مجلس او حاضر می شوند ، مجلس تفسیر او از چندین سال به این طرف دائر است ، عصـرهای سه شـنبه مجلسـی از جنس دیگر در محضـر او منعقد می شود عده ای از روشنفکران فاضل در محضـر او جمع می شوند موضوعات ادبی و تاریخی طرح می کنند و از گفته های او استفاده می نمایند . اعضای اصلی این مجلس عبـارت بودنـد از : آقـای میرزا علی اکبر اهری (معروف به نحوی) که در حـدود هفتاد سال عمر کرده و در صـرف و نحو و ادبیـات زبـان عرب مهـارت دارد ، و آقای حاج محمّـد نخجوانی و برادرش حاج حسـین نخجوانی که هر دو از فضـلای تبریز و کتاب شـناس می باشـند و آقای میرزا حسن خان فروغ و آقای مهدی روشن ضـمیر که ادیب فاضل و صاحب ذوق و از بهترین معلمان تبریز است و آقای میرزا علی اصـغر مدرس فرزند دانشـمندِ مؤلف ریحانه الادب وآقای سـید حسن قاضی که از اساتیـد مبرز دانشـکده ادبیـات تبریز می باشـد ، و آقـای علی ابوالفتحی که از وکلای دانشـمند و امین آذربایجان و عضو فعّال کانون وکلاء تبریز است . روزی تقی زاده به نگارنده گفت که برادر بزرگوار شـما پدیده ای است که من نظیر ایشان را ندیده ام : یـک دریـا معلومـات جدیـد را بـا ایمـان پیرزنـان در خود جمع دارد . « آقای مجتهـدی یکی از اساتیـد این حقیر بود ، وی مهربان و دلسوز و خیرخواه بود ، مقام علمی و عظمت و آقائی او به قدری مسلم بود که هرگاه یکی از مردان علمی و مقامات دولـتی از مرکز وارد تبریز می شـد بـدون دیـدار از آقـای مجتهـدی از تبریز بیرون نمی رفت و درک خـدمت او را غنیمت می شمرد ، وی تاریخ تبریز را حفظ داشت : درباره هر شـخص و هر حادثه و هر بنا از او می پرسیدی ، از تمام جزئیات و کلیات و اصل و فرع آن داد سـخن می داد » . « به ساحت مقدس حضـرت سیدالشـهداء علیه السـلام اخلاص تمام می وزید ، دهه محرم هر روز زیـارت عـاشورا می خوانـد و در مجلس ذکر مصائب آن بزرگوار با کمال ادب می نشـست و گوش می داد مثل اینکه در محضر بزرگی نشسته است و با شدت و اخلاص اشک می ریخت ــ ع » . آیه اللّه مجتهدی بسیار باادب و متواضع بود ، در

تواضع کار او حقیقةً به افراط کشیده بود ، اگر کسی از فضل و معلومات او سخن می گفت خجالت می کشید و ناراحت می شد ، وی طلاب فاضل و زحمت کش را مانند فرزندان خود دوست می داشت ، اگر طلبه ای را مستعدّ می یافت حاضر می شد به آن طلبه درس صمدیه و سیوطی بدهد « و تلاش می کرد از راههای تشویق آور چیزی به او بیاموزد » . روز یکشنبه ۲۳ خرداد ماه سال ۱۳۵۵ ش مصادف با ۱۴ جمادی الاخر ۱۳۹۶ قمری برادر با جان برابرم به سرپرستی پنج هزار از اهل و عیال طبق سنواتی ده ساله جهت عتبه بوسی حضرت ثامن الائمه امام رضا علیه السلام به سوی مشهد عزیمت می نماید ، دو بار به زیارت حرم مطهر آن حضرت نائل می گردد ، تا آنکه شب پنجشنبه پس از انجام عمل جراحی در بیمارستان ششم بهمن مشهد دار فانی را وداع می کند ، مرجع دلسوز و مهربان آیه اللّه العظمی حاج سید کاظم شریعتمداری که مثل برادر مرده متأثر و متألم بودند ، نسبت به انجام مراسم تشییع و تدفینی که در خور شأن و مقام روحانی برادر عزیزم باشد دستوراتی به وسیله تلفن به برادرش جناب آقای سید صادق شریعتمداری صادر می کردند . روز جمعه قبل از ظهر با شرکت حضرات عظام و حجج الاسلام مشهد و دسته جات حسینی و همکاری صمیمانه خدّام آستان رضوی جنازه تشییع و در صحن مطهر پس از نماز وطوف در حرم ، در صحن عتیق دفن شد ، جای بسی تعجب است که برادرم در ۷۶ سال پیش در شب میلاد با سعادت رسول اکرم یعنی شب ۱۷ ربیع الاول در پیشگاه ابوالحسن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام در نجف متولد شد ، در شب ولادت با سعادت سیده نساء العالمین زهراء مرضیه ۱۹ جمادی الاخری در محضر ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام برای ابد آرامیده است . « مرحوم آقای مجتهدی در تبریز بی نظیر و در ایران کم نظیر و نعمتی بود که قدرش مجهول ماند و حقش ضایع و عوض تقدیر از علم و فضل و خدماتش ، آماج افتراها و تهمت ها و بی حرمتی ها واقع شد حتی تاوان قوم و قبیله اش را نیز از او گرفتند » .

و جلدین کفایه را از حاج میرزا احمد آقا اهری خواندم .(۱)

---

۱ – ۱ . یکی از علماء زاهد و فقهاء متقی تبریز در عصر ما مرحوم حاج میرزا احمد اهری فرزند حسین بود ، به سال ۱۳۰۷ قمری چشم به جهان گشود ، پس از رسیدن به حدّ رشد و بلوغ جهت تحصیل علوم دینی به تبریز مهاجرت نموده و در مدرسه صادقیه تبریز به فراگیری علوم مشغول شد . کتاب مطول و قوانین را از عموی بزرگوارش میرزا علی اکبر آقااهری ساکن محله باغمیشه تبریز و از مرحوم حاج شیخ حسینعلی واعظ ، رسائل و مکاسب را از علامه ماهر حاج میرزا مصطفی مجتهدی و آیه اللّه عبدالکریم مجتهد کلیبری فراگرفت ، سپس به نجف اشرف مهاجرت نموده و در محضر اساتید و مراجع بزرگ مانند آیه اللّه نائینی و دیگران به فراگیری علوم مشغول شد . پس از تکمیل خود در مراتب علم و عمل به تدریس و تربیت طلاب و دانش پژوهان مشغول شد ، تا آنکه به سال ۱۳۷۲ قمری با تجلیل و استقبال گرم به تبریز مراجعت نموده و در محله راسته کوچه اقامت گزیده و به اقامت جماعت و تدریس مکاسب و کفایه و خارج و تربیت طلاب و علماء و ارشاد مؤمنین مشغول شد . مرحوم اهری با آیه اللّه سید محسن حکیم و آیه اللّه سید ابوالقاسم خوئی هم درس و هم بحث بود ، نفس پاک داشت ، برای خود قائل به مقام و تشخّص نبود ، خالی از ریاء و تظاهر بود ، از آیات عظام آیه اللّه نائینی ، آیه اللّه شریعت اصفهانی و آیه اللّه آقاضیاء عراقی اجازه اجتهاد داشت . محضرش پاک و بی آلایش بود ، بدی کسی در آن گفته نمی شد ، در عوض از خوبی ها و محاسن مردم مخصوصاً از خوبی ها و خدمات علماء یاد و تقدیر می کرد ، در صرف سهم امام علیه السلام برای خود و خانواده اش کمال احتیاط و اقتصاد را مراعات می نمود ، با آن کبر سنّ و سینه مریض که همیشه خون می آمد و بدن رنجور ، تا آخر عمر دست از تدریس برنداشت ، تا آنکه روز پنجشنبه ۱۸ صفر سال ۱۳۸۸ ه . ق . به رحمت الهی پیوست ، جنازه اش به شهر قم حمل و در قبرستان ابوحسین در حجره مخصوص به علماء به خاک سپرده شد رحمه اللّه رحمه واسعه . یکی از اقوام نزدیک آن مرحوم نقل کرد که مادرش می گفت : در موقع حاملگی به او شبی در خواب به من گفته شد : تو به پسری حامله می باشی چون به دنیا آید نامش را محمّد بگذارید ، پس از ولادت ملاحظه شد که در میان خویشاوندان نزدیک محمّد نامی هست لذا نام او را به جای محمّد ، احمد گذاشتند .

در این بین خدای متعال روزی مرا از تصحیح کتاب تأمین نمود ، کتاب الأنوار النّعمانیه سید نعمت اللّه جزائری را کتابفروشی بنی هاشمی و کتابفروشی حقیقت چاپ می کردند و مرحوم علامه محقق حاج سید محمّدعلی قاضی پاورقی می نوشت ، من و واعظ دانشمند آقای حاج میرزا عیسی اهری که فعلاً ساکن تهران و از وعاظ آنجا است ، مأمور تصحیح آن شدیم که این کار از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۸۲ ق ادامه یافت ، پس از آن مرحوم آقای قاضی مقالات جنّه المأوی تألیف علامه کاشف الغطاء را با مقدمه و تعلیقات آماده چاپ نمودند و با سرمایه کتابفروشی حقیقت به چاپ رسید و من تصحیح نمودم .

من همچنان مشغول تدریس بودم و برایم مسجد و هیئت پیدا شد تا سال ۱۳۴۲ ش فرارسید ۲۵ شوال المکرم سالروز وفات امام صادق علیه السلام که مصادف با ۲ فروردین ۱۳۴۲ شمسی شده بود ، صبح حوالی ساعت

ص: ۶۷

نُه وارد مـدرسه طـالبیه شـدم ، طلاب و عـدّه ای از مردم عادی را نگران و وحشت زده دیـدم ، معلوم شـد اعلامیه آقایان را به دیوار چسبانده انـد و مأموران پاره کرده انـد ، من در حیاط مدرسه مقابل پنجره بزرگ مسجد جامع ایستاده بودم که اعلامیه دوم را چسباندند ، آن را نیز مأمور ساواک پاره نمود ، پس از رفتن او اعلامیه سوم را چسباندند باز آمد که پاره کند جوان ها مانع شدند ، وی رفت رئیس کلانتری ۶ با دو پاسبان آمدند ، جوان ها دور اعلامیه را گرفتند ، ولی رئیس کلانتری دستور داد که پاسبان اعلامیه را پاره کند ، به مجرد پاره کردن اعلامیه جوان ها پاسبان را زیر کتک گرفتند که کلاهش از سر افتاد ، رئیس کلانتری شروع به تیراندازی هوائی کرد ، جوان ها و طلاب شروع به سنگ و آجر اندازی کردند و درخت ها را شکسته به پاسبان و مأمورین ساواک حمله نمودند ، مخصوصاً سید علی اصغر ساری فحش به زن رفراندوم می داد (خیال می کرد که رفراندوم هم شخصی است) مردم هم به کمک جوان ها و طلاب آمدند تا سرِ بازار (اول فردوسی) آنها را راندند و از آنجا بر گشتند .

به فاصله چند دقیقه رئیس شهربانی آقای عطائی با یک درجه دار مسنّ که نشناختم وارد مدرسه شد و طلاب را نصیحت و توبیخ کرد من هم طلاب را به منازل خود جمع نمودم و مدرسه خلوت شد پس از جمع نمودن طلاب به منازل خود و آرام نمودن مدرسه در حدود ساعت یک من به منزلم در کلانتر کوچه خیابان برگشتم و دیدم می گویند : در مدرسه طالبیه شصت نفر کشته شده ، در صورتی که از دماغ احدی خون هم نیامده بود ، ولی شب بعدی آمده و درها را بسته و طلاب را زده و عده ای را به سرباز خانه برده بودند .

ص: ۶۸

حـدود ده سال در مکانهای مختلف از منزلی به منزلی انتقال نموده و سـکونت گزیدم ، تا در سال ۱۳۴۴ شمسی قطعه زمینی با یاری دوستان خریده و دو اطاق ساخته و به آن منتقل شدم .

در سال ۱۳۵۶ ش. برای تدریس تعلیمات دینی و اقامه نماز جماعت با بچه های دبستان صفا دعوت شدم ، ترم زمستانی به آخر نرسیده بود که ساواک مانع شد و بعد از تعطیلات نوروزی جوابم کردند .

نتیجه این تدریس یک زیارت عمره بود ، پنج نفر همراه شده ماشین یکی از همراهان را برداشته از راه ترکیه ، سوریه ، و اردن به زیارت خانه خدا مشرف شدیم ، مدت مسافرت ۲۵ روز طول کشید ، خرج راه هر یکی هزار تومان شد .

روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ ش. فرارسـید ، مسـجد ما جنب کلانتری ۲ بود ، من هر روز سـاعت چهـار بعـدازظهر برای درس و تعلیم نوجوانان به مسـجد می رفتم که طبق هر روز به درِ مسجد که رسیدم رئیس کلانتری « بندار معدوم » همراه دو پاسبان سراسیمه نزد من آمـد که حاج آقا می خواهنـد به کلانتری حمله کنند ، به آقای قاضـی تلفن کنید برای محافظت کلانتری چند روحانی بفرستند من تضمین دادم که من اینجا هستم نمی گذارم کسی حمله کند ، شب کلانتری را جمع کرده رفتند و حمله نشد .

پس از پیروزی انقلاب به اجازه و اطلاع مراجع حدود ۱۱ ماه مسئولیت کمیته ۲ را عهده دار شدم که پاکترین کمیته ها بود ، و سه دوره سرپرستی صندوق انتخابات را در مسجد به عهده داشتم که با بهترین وضع و کیفیت اداره شد .

با همه اینها مشغله اصلی من درس در مسجد و مدرسه طالبیه بود تا در

زمان مرحوم حاج سید اسداللّه مدنی امام جمعه وقت از مدرسه اخراج مؤدّبانه و در مساجد اطراف مدرسه مشغول تدریس شدم ، چون آقای ملکوتی امام جمعه آمد فرستاده برای تدریس در مدرسه طالبیه دعوتم کرد ولی او نیز پس از چند ماه از مدرسه بیرونم کرد ، امّا من تا حال تدریس را ترک نکرده ام و در مساجد نزدیک مدرسه مشغول هستم تا خدا چه بخواهد .

در سال ۱۳۶۵ ش. برای تدریس در دانشگاه آزاد دعوت شدم ، درسهایم روز به روز رونق یافت و مقبولیت پیدا نمود ، حتی بعضی از دانشجویان برنامه درسی خود را تغییر می دادند تا در کلاس من حاضر شوند ، اساتید و کادر دانشگاه عنایت مخصوص می نمودند ، نمی دانم و یا می دانم که چه شد که در نیمه دوم ۱۳۷۴ ش از تدریس در دانشگاه ممنوع شدم .

علاوه بر اینها جلسه تفسیر قرآن و نهج البلاغه داشتم که در تبریز ممتاز و مجمع جوانان روشن و نهضتی بود که پس از پیروزی انقلاب اکثر آنها مسئول ادارات و نهادها هستند و این جلسه فعلاً هم با کمال گرمی دائر است ، یکبار از اول تفسیر قرآن را گذراندیم ، و فعلاً نزدیک است که بار دوم تفسیر قرآن و نهج البلاغه را به پایان برسانیم .

برای عده ای از قضاه دادگستری و آموزگاران تدریس داشتم ، و برای جمعی از بانوان جوان در منزل تعلیم قرآن و احادیث داشتم ، در مسجد منبر و اقامه نماز داشتم که از اکثر مساجد محلّات با رونق تر و با استفاده تر بود .

حدود ۲۵ جلد کتاب کوچک و بزرگ تا حال از من چاپ و نشر شده که از آن جمله است .

۱ ــ کعبه آمال در شرح زندگانی چهارده معصوم

۲ ــ توضیح الأسماء در طرز تلفظ بعض اسماء با تاریخ مختصر .

۳ _ در مکتب علی علیه السلام تجزیه و ترکیب و شرح موضوعی ۳۷ جمله از نهج البلاغه

۴ _ واژه های نهج البلاغه

۵ _ فرشته های زمینی ، شرح خطبه همام و منافقین

۶ _ پیدایش اولین ها

۷ _ بهشت برین ترجمه جنه المأوی از علامه کاشف الغطاء

۸ _ فرهنگ اصطلاحات فقهی

۹ _ ارکان اربعه تشیع شرح حال ابوذر ، سلمان ، عمار ، مقداد .

۱۰ _ زینتها و آفتها ، ...

۱۱ _ قیام مختار و توابین ، ترجمه کتاب أصدق الأخبار ، نوشته سید محسن امین عاملی

۱۲ _ قصه های اسلامی و تکه های تاریخی

۱۳ _ مختصری از زندگانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله

۱۴ _ مثلهای حضرات معصومین علیهم السلام

۱۵ _ ترجمه کامل نهج البلاغه

۱۶ _ جلد دوم پیدایش اولین ها (آماده چاپ) .

۱۷ _ مقالات سودمند (آماده چاپ) .

از بسیاری از مراجع بزرگوار اجازه نامه تصدی امور حسبیه و نمایندگی دارم از آیه اللّه حاج سید کاظم شریعتمداری ، آیه اللّه حاج سید ابوالقاسم خوئی ، آیه اللّه حاج آقا حسن قمی ، آیه اللّه سید محمّد شیرازی ، آیه اللّه شیخ جواد تبریزی ، آیه اللّه سید محمّد روحانی ، آیه اللّه ناصر مکارم شیرازی و آیه اللّه شیخ علی غروی .

ص: ۷۱

بحمـد اللّه والمنّه ، پس از همـه اینهـا در میـان همه طبقـات ، از عـالِم و عـامی ، از ذکر جمیـل و محبت بی شـائبه و نـام نیک برخوردارم ، و امیدم از پروردگار بنده نواز این است که حسن ظن بندگانش را در حق این حقیر فقیر قبول فرماید .

پی نوشت ها

ص: ۷۳

آثار چاپی استاد علیزاده

استاد علیزاده قدس سره قلمی روان و بی تکلّف داشت ، در حدود ۵۰ اثر مفید از ایشان به یادگار مانده است ، که با عناوین شماری از آنها آشنا می شویم :

۱ . آبْ مایه حیات

۴۰ صفحه جیبی ، ۱۳۸۱ ش . تبریز

۲ . ابتدا ... انتها

۲ . احترام خون بشر

۴۴ صفحه جیبی ، ۱۳۵۹ ش . تبریز

۴ . امثال سائره رسول اکرم صلی الله علیه و آله

۱۸۰ صفحه رقعی ، ۱۳۷۵ ش . تبریز

۵ . بهشت برین

ترجمه جنّه المأوی ، از مرحوم کاشف الغطاء

۳۰۰ صفحه رقعی ، ۱۳۶۵ ش . تبریز

۶ . پیدایش اوّلین ها

۲۸۷ صفحه رقعی ، ۱۳۸۸ ش . قم

۷ . ترجمه نهج البلاغه

ترجمه جمله به جمله ، روان ، با اعراب کامل

چاپ دو جلدی ، ۸۶۴ صفحه وزیری ، ۱۳۷۷ ش . تبریز چاپ سه جلدی

۸ . تعریفات

واژگان ، لغتنامه و اصطلاحات

۹ . تعقیبات و ادعیه

۶۳ صفحه نیم جیبی ، بی تا ، تبریز

۱۰ . توضیح الأسماء

ضبط صحیح اعلام اشخاص ، اماکن ، قبایل و اصطلاحات خاص

۲۲۳ صفحه جیبی ، چ ۲ ، ۱۴۰۲ ق . تبریز

۱۱ . خصائص المعصومین علیهم السلام

ویژگیهای چهارده معصوم علیهم السلام

۱۱۰ صفحه رقعی ، ۱۳۸۴ ش . تبریز

۱۲ . خضر جاودان

۱۳۸۳ ش . تبریز

۱۳ . دُرّ ثمین

تفسیر سوره حمد و توحید

۵۰ صفحه جیبی ، ۱۳۸۴ ش . تبریز

۱۴ . در راه قرآن

۶۴ صفحه جیبی ، ۱۳۷۹ ش . تبریز

۱۵ . در مکتب علی علیه السلام

ترجمه ، تجزیه و ترکیب چهل فراز از نهج البلاغه

۱۳۲ صفحه رقعی ، چ ۲ ، ۱۳۷۹ ش . تبریز

۱۶ . دفاع از حریم حق

خطبه های حضرت زهرا و حضرت زینب علیهماالسلام

۱۲۸ صفحه جیبی ، ۱۳۷۷ ش . قم

۱۷ . دفترچه شناخت اوقات شرعی ، به افق تبریز

ص: ۷۶

براساس استخراج : کرمانی ، عجب شیرزاده ، ملک پور و استاد مصباح زاده

۱۸ . دو فقیه نامدار

شرح زندگانی شهید اول و شهید ثانی قدس سرّهما

۱۱۱ صفحه رقعی ، ۱۳۸۳ ش . تبریز

۱۹ . رویدادهای تاریخ

۱۰۰ صفحه رقعی ، ۱۳۸۵ ش . تبریز

۲۰ . زینت ها و آفت ها

متن و ترجمه ۱۵۰ حدیث اخلاقی

۱۰۸ صفحه جیبی ، ۱۳۷۳ ش . تبریز

۲۱ . سخنان حضرت مهدی علیه السلام

۹۶ صفحه جیبی ، ۱۳۷۷ ش . قم

۲۲ . سه مسئله مهم در اسلام

زندان ، نماز جمعه و احترام خون بشر

۷۶ صفحه جیبی ، ۱۳۸۰ ش . تبریز

۲۳ . سی فضیلت علی علیه السلام

۲۴ . شرح حالی از نامداران تاریخ

شرح حال بالغ بر ۵۰۰ شخصیّت برجسته و اهتمام خاصّ به علمای معاصر

۸۴۰ صفحه رقعی ، دو جلد ، ۱۳۸۰ ش . تبریز

۲۵ . صیغه های عقد ازدواج

صیغه های عقد دائم ، عقد موقت و طلاق

چ ۲ ، بی تا ، تبریز

۲۶ . طلایه داران آفتاب

شرح زندگانی سلمان ، ابوذر ، مقداد و عمّار

۱۳۲ صفحه رقعی ، ۱۳۸۶ ش . قم

۲۷ . عقاید اسلامی

۲۸ . علی ای همای رحمت

شرح حال امیرمؤمنان علیه السلام و ۸۰ حدیث در فضایل مولا

ص: ۷۸

۲۹ . فرشته های زمینی

شرح خطبه متقین و منافقین

۳۰ . فرهنگ اصطلاحات فقهی

۱۰۸ صفحه جیبی ، چ ۲ ، ۱۳۷۹ ش . تبریز

۳۱ . قائم مهدی علیه السلام در خطبه عید غدیر

۴۰ صفحه جیبی ، ۱۳۸۶ ش . تبریز

۳۲ . قصّه های اسلامی و تکّه های تاریخی

۲۵۱ صفحه رقعی ، ۱۳۷۶ ش . قم

۳۳ . قیام مختار و توّابین

ترجمه أصدق الأخبار سید محسن امین

۱۲۳ صفحه رقعی ، ۱۳۸۶ ش . تبریز

۳۴ . کعبه آمال

شرح زندگانی ۱۴ معصوم

۸۴ صفحه رقعی ، چ ۳ ، ۱۳۷۷ ش . تبریز

۳۵ . کلیدهای نیک بختی

۳۵۳ حدیث برای رسیدن به سعادت و نیک بختی

۳۶ . گنجینه های نیکی

۲۷۹ حدیث از سخنان گهربار معصومان علیهم السلام

۱۱۱ صفحه رقعی ، ۱۳۸۰ ش . تبریز

۳۷ . گوشه هایی از تاریخ بزرگان

۱۵۲ صفحه رقعی ، ۱۳۶۴ ش . تبریز

۳۸ . مثل های مشهور حضرات معصومین علیهم السلام

۴۳۴ صفحه وزیری ، ۱۳۷۹ ش . قم

۳۹ . مختصری از زندگانی حضرت رسول صلی الله علیه و آله

۸۸ صفحه رقعی ، چ ۲ ، ۱۳۷۷ ش . تبریز

۴۰ . مروری بر نهج البلاغه

۳۲ صفحه جیبی ، ۱۳۸۰ ش . تبریز

۴۱ . مقالات سودمند

مجموعه مقالات ارزشمند استاد در موضوعات متفرقه

۴۲ . منادی وحدت اسلامی

شرح حال مرحوم کاشف الغطاء

۶۴ صفحه رقعی ، ۱۳۸۴ ش . تبریز

۴۳ . مهدی منتظر در نظر مسلمانان

ترجمه المهدی المنتظر و أدعیاء المهدویّه ، از بیّومی

۸۰ صفحه جیبی ، ۱۳۷۹ ش . تبریز

۴۴ . موالید _ وفیات

تاریخ ولادت و وفات جمعی از بزرگان

۴۵ . نماز شب و نماز جعفر طیّار

۳۰ صفحه نیم جیبی ، بی تا ، تبریز

۴۶ . واژه های نهج البلاغه

۴۷ . یکصد و چهل حدیث از چهارده معصوم

۵۶ صفحه جیبی ، ۱۳۷۸ ش . چ ۲ ، ۱۳۷۸ ش . تبریز

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹